



قراکافرنجی جماعی بقا التیمید العظم

گفتمان سازی از منظر رهبر معظم انقلاب علیه السلام

با رویکرد حرکت عمومی

معاونت راهبردی و جبهه سازی

پاییز ۱۴۰۳

فهرست

بخش اول: چيستی و تعريف گفتمان ۷

۱. مثل هوا ۸

۲. باور عمومي (يك سخن مورد قبول عموم، مورد توجه مردم) ۸

۳. معرفت همه‌گير در يك برهه‌ای از زمان ۸

۴. يك فكر، يك جريان فكري ۱۰

۵. ايجاد گفتار عمومي، شكل دادن ذهن‌های عامه و جلب اقبال عمومي ۱۰

۶. يك فكر رايج ۱۱

۷. ايجاد يك فضای گفتمانی که همه در آن بيانديشند ۱۱

۸. خواستن همه و مطالبه عمومي ۱۲

۹. فرهنگ‌سازی ۱۳

۱۰. سکه رايج در هر برهه ۱۴

۱۱. ايجاد انگيزه و ميل همگانی ۱۴

بخش دوم: الزامات و فرآيندهای گفتمان‌سازی ۱۵

۱. ساخت تصويری درست توسط صاحبان فكر، مسئولان و دلسوزان ۱۶

۲. علميت، مهارت و توانايی تجزيه و تحليل ۱۶

۳. تبیین لازم، منطقی، عالمانه با زبان صحيح و علمی و منطقی و خوش ۱۶

۴. ایجاد جاذبه در خود از راه‌های درست؛ حرف نو و اقناع ۱۷

۵. گفتمان‌سازی در محیط دانشجویی ۱۸

۶. تبدیل شدن به گفتمان عمومی ۱۹

۷. گفتمان‌سازی در میان نخبگان و به تبع گفتمان‌سازی در عموم جامعه ۲۰

۸. تقویت، همگانی کردن و تعمیق شعار اصلی در ذهن‌ها ۲۰

۹. گفتمان‌سازی مبدأ آوردن مردم به میدان جهاد عظیم ۲۱

۱۰. برنامه‌ریزی جامع و پرهیز از کارهای جدا جدا ۲۱

۱۱. استخراج مسائل نظام و راه‌حل‌های سنجیده و قوی ۲۲

۱۲. حل مسأله به شکل عمیق و علمی و گشودن گره‌های ذهنی ۲۲

۱۳. استدلال، تبیین و تکرار ۲۳

۱۴. راسخ نمودن همت‌ها و عزم‌ها ۲۳

۱۵. الگوسازی از لوازم گفتمان‌سازی ۲۴

۱۶. ایجاد فضای علمی و تخصصی برای تضارب آرا و اندیشه‌ها ۲۵

۱۷. قراردادن واضح و روشن شاخص‌ها در مقابل چشم مردم ۲۶

۱۸. نظریه‌سازی راه حل پیش‌بری و هدایت گفتمان ۲۷

۱۹. واژه‌سازی از مقدمات مهم هر حرکت عمومی و هر نهضت ۲۸

۲۰. بهره‌گیری از فرصت‌های زمانی مناسب همچون محرم ۳۲

۲۱. لزوم شکل‌گیری رقابت گفتمانی و تحمل آن ۳۲

۲۲. استفاده از رسانه‌های جدید ۳۳

۲۳. بهره‌گیری از هنرهای اثرگذار؛ به خصوص شعر ۳۴

۲۴. بهره‌گیری از شیوه‌های هنری؛ تئاتر و کاریکاتور ۳۵

۲۵. نشریه صوتی، سرود، اجرای شعری ۳۷

۲۶. ایجاد توانایی تصمیم‌سازی ۳۷

۲۷. مخاطب‌شناسی ۳۸

۲۸. حمله به مبانی فکری دشمن ۴۰

۲۹. روحیه جهادی در تبلیغ ۴۲

۳۰. توجّه ویژه به نسل جوان و نوجوان ۴۳

۳۱. تشکیل کانون‌های عظیم تبلیغی ۴۵

بخش سوم: عناصر گفتمان‌ساز ۴۷

۱. صاحبان فکر، مسئولان و دلسوزان ۴۸

۲. خواص، اندیشمندان جامعه، اساتید دانشگاه، نخبگان علمی، فرزندان ۴۸

۳. رسانه‌ها، روحانیون، بزرگان، اساتید دانشگاهی ۴۹

۴. آقایان و خانم‌های موثر ۴۹

۵. ائمه جمعه و شخصیت‌های برجسته استان‌ها ۴۹

۶. صدا و سیما ۵۰

۷. هسته‌های فکری، عملی و جهادی ۵۱

۸. دانشجویان و جوانان ۵۲

۹. شاعران و شعر انقلاب ۵۴

۱۰. نویسندگان و داستان‌نویسان ۵۵

۱۱. شعرا و مداح‌ها ۵۶

۱۲. نماز جمعه ۵۷

۱۳. گروه‌های جهادی ۵۸

بخش چهارم: پرهیزها و زنده‌ها در گفتمان‌سازی ۶۰

۱. تبیین به دور از زیاده‌روی ۶۱

۲. پرهیز از گفتمان‌های شبه‌روشنفکری و غربی ۶۱

۳. پرهیز از وانمودهای غلط از گفتمان‌های حاکم ۶۲

۴. مراقبت از اینکه تألمات، ما را از گفتمان اصلی دور نکند و به مخالفان گفتمان نزدیک نکند ... ۶۳

۵. کار فکری که گفتمان‌ساز است، غیر از کار ذهنی شبه‌روشنفکریست ۶۳

۶۴.....	۶. لزوم تحمل رقابت گفتمانی و عدم تعجب و خشم و ترس از مخالف
۶۵	۷. عدم اکتفا به میزگرد و سخنرانی و چاپ مقالات و ...
۶۵	۸. عدم سیاست بازی و سیاست کاری؛ متناسب با نیاز روز
۶۶	۹. تهاجم به گفتمان رقیب، عدم انفعال و عدم دورخوردن
۶۶	۱۰. لزوم تعمق و پرهیز از سطحی نگری
۶۷	۱۱. پرهیز از جذابیت های کاذب
۷۰.....	بخش پنجم: سرفصل ها و موضوعات گفتمان سازی از منظر رهبر معظم انقلاب
۷۲	۱. گفتمان نوین اسلامی
۷۴	۲. گفتمان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۷۷	۳. گفتمان عدالت و عدالتخواهی
۸۱	۴. گفتمان اقتصاد مقاومتی
۸۳	۵. گفتمان نهضت علم و فناوری
۸۸	۶. گفتمان مقاومت
۹۲	۷. گفتمان زن حقیقی

بخش اول: چیستی و تعریف گفتمان

۱. مثل هوا

«گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفس می‌کنند چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخوانند، چه نخوانند. باید این گفتمان‌سازی انجام بگیرد که البته نقش رسانه‌ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است»^۱.

۲. باور عمومی (یک سخن مورد قبول عموم، مورد توجه مردم)

«گفتمان یعنی باور عمومی. یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند، این با گفتن حاصل می‌شود با تبیین لازم - تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون - حاصل می‌شود با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد»^۲.

۳. معرفت همه‌گیر در یک برهه‌ای از زمان

^۱ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

^۲ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

فضاسازی، جریان سازی

«تبلیغ باید جریان ساز باشد، تبلیغ باید گفتمان ساز باشد، تبلیغ باید فضا ایجاد کند، گفتمان ایجاد کند. گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت همه گیر بشود در برهه ای از زمان در یک جامعه. آن وقت، این می شود گفتمان جامعه. این، با کارهای جداجدای برنامه ریزی نشده، حاصل نخواهد شد اینکار احتیاج دارد به برنامه ریزی و کار فعال و مثل دمیدن پیوسته در وسیله فشاری است که می تواند آب یا مایه حیات یا هوا را به نقاط مختلفی که مورد نظر است، برساند. باید دائم با این دم دمید، تا این اشتعال همیشه باقی بماند. این کار هیچ نباید متوقف بشود و به برنامه ریزی احتیاج دارد. این گفتمان سازی برای چیست؟ برای این است که اندیشه دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می آورد و همان چیزی می شود که پیغمبران دنبال آن بودند. فرهنگ صحیح، معرفت صحیح، در مواردی بیدارباش، در مواردی هشدار؛ اینها کارکردهای تبلیغ است؛ آثار و نتایجی است که بر تبلیغ مترتب می شود»^۱.

۴. یک فکر، یک جریان فکری

«ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آنها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه نجات ملت‌ها شود؛ همچنان که خدای نخواستہ می‌توانند به سمتی ببرند که مایه بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود. این دومی متأسفانه در طول هفتاد هشتاد سال اخیر در برخی از کشورها، از جمله در کشور خود ما اتفاق افتاد».

۵. ایجاد گفتار عمومی، شکل دادن ذهن‌های عامه و جلب اقبال عمومی

«به هر حال می‌تواند این سؤال‌ها، این ابهام‌ها، این اشکال‌ها در گفتگوهای رودررو برطرف بشود. در عین حال خیلی از مطالبی که گفته شد مطالب درستی بود و گفتن اینها در این عرصه و در این برنامه طبعاً به ایجاد یک گفتمان در این زمینه‌ها کمک خواهد کرد و من استقبال می‌کنم از اینکه در برخی از این زمینه‌ها گفتارهای عمومی به وجود بیاید و ذهن‌های عامه‌ی مردم در جامعه و در کشورمان به این سمت شکل بگیرد ... وقتی گفتمان‌سازی شد، جلب اقبال عمومی به مجموعه‌های جوان و پیشرو

حاصل خواهد شد؛ یعنی اقبال عمومی به وجود می‌آید، آن وقت اثر خودش را به جا می‌گذارد^۱».

۶. یک فکر رایج

«شما این را بدانید که بنده به صرف اینکه بگویم نهضت نرم‌افزاری راه بیفتد، اکتفا نکرده‌ام. یک نهضت - نهضت به معنای جنبش و حرکت و حضور مبارزه‌گر که با گفتن و دستور و فرمان راه نمی‌افتد، بلکه باید زمینه‌هایش فراهم شود. من می‌گویم این نهضت نرم‌افزاری راه افتاده است؛ چرا که امروز خود آن تبدیل به گفتمان و فکر رایج شده است^۲».

۷. ایجاد یک فضای گفتمانی که همه در آن بیان‌دیشند

«ببینید عزیزان! فکر شما و کاری که کردید و راه نویی که پیدا کردید، پیشنهادی که به نظرتان رسیده، تاثیرگذاری‌اش فقط این نیست که این فوراً به دستگاه اجرایی منتقل بشود و فوراً یک ترجمه عملیاتی بشود و اجرایی و عملیاتی شود نه، این تنها تاثیر نیست. یکی از مهم‌ترین تاثیرات همین فکرکردن‌ها این است که شما فضا سازی می‌کنید، گفتمان سازی می‌کنید. در نتیجه، در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس جمهور هم

^۱ ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

^۲ ۱۳۸۲/۱۱/۲۱

همان جور فکر می‌کند، وزیر هم همان جور فکر می‌کند، مدیرکل هم همان جور فکر می‌کند، کارکنان هم همه همان جور فکر می‌کنند این خوب است. و شما اینکار را انجام می‌دهید. فکر کنید، بگویید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید، آن کرسی‌های آزاداندیشی را که من صد بار- باکم و زیادش- تأکید کردم، راه بیندازید و اینها را هی آنجا بگویید، این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند؛ این همان چیزی است که شما می‌خواهید. بنابراین اگر چنانچه این کاری که شما مثلاً در فلان نشست‌تان، در فلان مجموعه دانشجویی‌تان کردید، فکری که کردید، ترجمه عملیاتی نشد، به صورت یک قانون یا به صورت یک دستورالعمل اجرایی در نیامد، شما مأیوس نشوید، نگویید پس کار ما بی‌فایده بود. نخیر بنابراین بایستی کار کرد. و کار کنید، فکر کنید: حتماً تأثیر دارد!».

۸. خواستن همه و مطالبه عمومی

«... وقتی شما در مورد یک عنوانی از این عناوین مهم اساسی انقلاب به یک نتیجه‌ای رسیدید، این را باید تبدیل بکنید به گفتمان؛ [مثلاً] در نشریه منتشر بکنید. شما جمعیت زیادی هستید؛ عده‌ی کثیری از آقایان، ائمه‌ی

جمعه هستند یا شخصیت‌های برجسته‌ی استان‌ها هستند یا در مرکز هستند، دارای منبر هستند، می‌توانند با مردم حرف بزنند و مخاطب قرار بدهند مردم را؛ تکرار نکنید، بگویید، تا گفتمان بشود. گفتمان یعنی آن فکر رایج بین مردم، مطالبه‌ی عمومی مردم. وقتی یک چیزی مطالبه‌ی عمومی شد و گفتمان شد، به‌طور طبیعی به عمل نزدیک خواهد شد. باید جزو واضحات و بیّناتِ فکری مردم بشود. باید این قدر این گفته بشود، استدلال بشود، تبیین بشود، تکرار بشود که به‌صورت یک گفتمانِ قطعی دربیاید^۱.

۹. فرهنگ‌سازی

«ببینید عوامل این پیشرفت جهشی چه بوده است، این عوامل را بایستی نگه دارید وجود برنامه خوب، ثبات در مدیریت، اهتمام به فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی. این چیزی که اخیراً من دیدم که این جوان‌های دانش‌آموز دنبال این کار هستند و دارند این مسئله را در حدّی که از توانایی‌های معمول دانش‌آموزهای ما بالاتر است دنبال میکنند یا برای بخشهای مختلف کارهایی انجام گرفته، این گفتمان‌سازی است؛ این گفتمان‌سازی خیلی مهمّ است^۲».

^۱ ۱۳۹۶/۰۶/۳۰.

^۲ ۱۳۹۳/۱۱/۱۱.

۱۰. سکه رایج در هر برهه

«گفتمان یعنی آن فکری، آن اندیشه‌ی عملی‌ای که رواج پیدا میکند در بین مردم و می‌شود سکه‌ی رایج؛ این گفتمان است. در هر برهه‌ای از زمان لازم است که یک سکه‌ی رایجی دست همه‌ی مردم باشد؛ این کار را شما می‌توانید بکنید»^۱.

۱۱. ایجاد انگیزه و میل همگانی

«ما امروز در مسائل فضایی، در مسائل هسته‌ای، در نانو، در فناوری زیستی و دیگر موارد گوناگون، پیشرفتهای زیادی داریم، پیشرفتهای مهمی داریم؛ این پیشرفتها ناشی از همین گفتمان سازی است. وقتی گفتمان سازی شد، آن وقت همه به این فکر خواهند افتاد، یعنی در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ کأنه یک جاذبه‌ی وسیع و یک بزرگ‌راهی به وجود می‌آید که همه میل می‌کنند از این بزرگراه حرکت کنند»^۲.

۱. ۱۳۹۵/۱۲/۲۹

۲. ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

بخش دوم: الزامات و فرآیندهای گفتمان سازی

۱. ساخت تصویری درست توسط صاحبان فکر، مسئولان و دلسوزان

«نقطه مقابل آنها بایستی کار بشود؛ مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند در این صورت، کار عملی خواهد شد»^۱.

۲. علمیت، مهارت و توانایی تجزیه و تحلیل

«هر کدام از شما بحمدالله در یک منطقه‌ای -چه در بین مردم، چه در بین طلاب و حوزه‌های علمیّه- جایگاهی دارید و حرفتان شنیده میشود؛ ذکر این مطالب برای این است که این عناوین، این سرفصل‌هایی که ما عرض میکنیم، به وسیله‌ی شما آقایان با علمیتی که دارید، با مهارتی که دارید، با توانایی تجزیه و تحلیلی که دارید، تبیین بشود برای مردم و به صورت گفتمان دربیاید، به صورت فهم عمومی دربیاید»^۲.

۳. تبیین لازم، منطقی، عالمانه با زبان صحیح و علمی و منطقی و خوش

«آخرین مطلب، مسئله گفتمان سازی است ... این با گفتن حاصل می‌شود با تبیین لازم- تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون-

^۱ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^۲ ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

حاصل می‌شود؛ با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد^۱».

۴. ایجاد جاذبه در خود از راه‌های درست؛ حرف نو و اقناع

«یکی از الزاماتِ اثرگذاری این است که بتوانید بدنه‌ی دانشجویی را جذب کنید. تشکّلها یک اقلیت دانشجویی‌اند. مجموع شما تشکّل‌ها را که جمع کنند، در بین خیل انبوه دانشجویها اکثریت نیستید. باید بتوانید جاذبه در خودتان ایجاد کنید که دانشجو را جذب کند. جاذبه چگونه به وجود می‌آید؟ تصوّر من این است که راه‌های زیادی وجود دارد؛ شماها جوانید، ابتکاراتتان بیش از ما است - ما هم البته دوره‌ی جوانی همین‌طور برای هر مسئله‌ای ده جور روش و راه کار به ذهنمان می‌آید، اما حالاها ذهن شما بهتر کار می‌کند - ابتکارهایی را پیدا کنید برای جَدّاب کردنِ مجموعه‌های دانشجویی ... جاذبه از راه‌های درست. یکی از انواع ایجاد جاذبه این است که حرف نو پیدا کنید: «سخن نو آر که نو را حلاوتیست دگر»؛ حرف‌های نو. حرف‌های نو به معنای حرف‌های من‌درآوردی نیست، خیلی از حقایق هست که با مطالعه‌ی در قرآن، با مطالعه‌ی در نهج‌البلاغه و در روایات، انسان به آنها برخورد می‌کند. خیلی حرف‌های تازه وجود دارد؛ بگردند حرف‌های تازه را پیدا کنند؛ منتها آدم‌هایی باشند که اهلیت این کار را داشته باشند؛ بتوانند. حرف نو [هم] فقط حرف نو

دینی نیست، حرف نو سیاسی هم هست، حرف نو اجتماعی هم هست، حرف نو در زمینه‌ی مسائل بین‌الملل هم هست. شما وقتی که در تشکّل خودتان حرف نو، سخن نو مطرح کردید، جوان جذب می‌شود؛ جاذبه دارد دیگر؛ حرف نو جاذبه دارد ... یکی از راه‌های تأثیرگذاری و جذّاب شدن تشکّل‌ها، اقناع فکری است؛ اقناع فکری؛ طرف را بتوانید قانع کنید. این، فرع بر این است که خودتان درست کار کرده باشید. خودتان درست کار کنید؛ حقیقتاً [وقتی] یک حقیقتی جزو فکر شما و ذهن شما شد، می‌توانید، قدرت اقناع پیدا میکنید، مخاطبتان را اقناع می‌کنید؛ اقناع فکری. اگر چنانچه ما بخواهیم با تشر و نُشور و تهدید و ضرب و زور، یک چیزی را به ذهن طرف تحمیل بکنیم، ممکن هم هست مثلاً فرض کنید که تحت تأثیر هیجانات، [به صورت] لحظه‌ای قبول هم بکند اما ماندگار نیست^۱.

۵. گفتمان‌سازی در محیط دانشجویی

«تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی^۲ ... اگر محیط دانشجویی، اعتقاد راسخی به یک مطلبی پیدا کرد و آن را دنبال کرد در فعالیت‌های متنوّع دانشجویی، این تأثیرگذار در آینده‌ی کشور است. این

^۱ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰.

^۲ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰.

تصوّر درست نیست که فکر کنیم چه فایده‌ای دارد ما به عنوان دانشجوی این فعالیت را بکنیم یا این تلاش را انجام بدهیم؟ چه تأثیری در واقعیت‌های کشور میگذارد؟ نه، تأثیر دارد؛ تأثیر زیادی هم دارد. سازوکار تأثیرگذاری‌اش هم همین است که عرض کردم؛ این تبدیل میشود به گفتمان، اول در محیط دانشجویی، بعد بتدریج در محیط کشور و این تبدیل میشود به یک عنصر تصمیم‌ساز^۱».

۶. تبدیل شدن به گفتمان عمومی

«آن وقتی کار، شکل عمومی و مردمی پیدا خواهد کرد که این فکر شما، این جهت‌گیری شما تبدیل به یک گفتمان عمومی بشود. [شما] در این مجموعه‌ی دوازده هزار [گروهی] که ایشان میگویند، ده درصد جوان‌های کشور، یا مثلاً پانزده درصد جوان‌های کشور هستید؛ آن ۹۰ درصد یا ۸۵ درصد دیگر چرا باید از این حرکت جهادی مبارک، از این کار محروم بمانند؟ سعی کنید ترویج کنید و این ترویج در صورتی آسان خواهد شد که به گفتمان تبدیل بشود^۲».

^۱ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰.

^۲ ۱۳۹۸/۰۴/۲۳.

۷. گفتمان‌سازی در میان نخبگان و به تبع گفتمان‌سازی در عموم

جامعه

«هدف دومی که ما از تشکیل این جلسه داشته‌ایم، این است که یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه به وجود بیاید. همین حرف‌هایی که شما امشب بیان کردید، وقتی در سطح جامعه منتشر شود، ذهن نخبگان و سپس ذهن عموم مردم را به یک سمت اساسی سوق خواهد داد؟ اندیشیدن در مورد الگوی توسعه و مدل حرکت به سمت جلو، احساس اینکه باید در این زمینه مستقل باشیم و روی پای خودمان بایستیم، عیوب وابستگی و تکیه کردن به الگوهای بیگانه گسترش خواهد یافت. ما امروز به این احتیاج داریم. متأسفانه جامعه نخبگانی ما هنوز در بخش‌های مهمی از این مسئله به یک نتیجه صحیح و درست نرسیده‌اند که این باید اتفاق بیفتد و به حول و قوه الهی اتفاق خواهد افتاد^۱ ... لکن نخبگان جامعه باید قانع بشوند، باید مسئله را قبول کنند؛ اگر نخبگان قبول کردند، کارسپهل می‌شود، کار فرهنگ‌سازی آسان می‌شود^۲».

۸. تقویت، همگانی کردن و تعمیق شعار اصلی در ذهن‌ها

^۱ ۱۳۸۹/۰۹/۱۰.

^۲ ۱۳۹۲/۰۸/۰۸.

«گفتمان را باید همه‌گیر کنید؛ به‌گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سرکار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای تلاش کند و مجبور شود پرچم آن را بر دست بگیرد. این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید این مهم است...»^۱.

۹. گفتمان‌سازی مبدأ آوردن مردم به میدان جهاد عظیم

«انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. اینطور نبود که مردم همینطور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آنچنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سال‌های متمادی - به تعبیر رایج امروز - یک گفتمان حق‌طلبی، عدالتخواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به اینکه نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند. بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است»^۲.

۱۰. برنامه‌ریزی جامع و پرهیز از کارهای جدا جدا

^۱ ۱۳۸۳/۰۸/۱۰

^۲ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

«این [گفتمان]، با کارهای جداجدای برنامه ریزی نشده، حاصل نخواهد شد این کار؛ احتیاج دارد به برنامه ریزی و کار فعال و ... مثل دمیدن پیوسته در وسیله فشاری است که می تواند آب یا مایه حیات یا هوا را به نقاط مختلفی که مورد نظر است، برساند. باید دائم با این دم دمید، تا این اشتعال همیشه باقی بماند. این کارهیچ نباید متوقف بشود و به برنامه ریزی احتیاج دارد»^۱.

۱۱. استخراج مسائل نظام و راه حل های سنجیده و قوی

«همین که شما یک مطلبی را میگویید، پخش میشود، مجموعه ی جوانی و غیرجوانی آن را می شنوند، بتدریج ذهنیت درست میکند. این ذهنیت ها همان گفتمان است؛ یعنی یک به اصطلاح جهت گیری فکری مشخصی در جامعه به وجود می آورد که این چیز باارزشی است خواهش من این است که جریان های دانشجویی به گفتمان سازی اهمیت بدهند. مسائل نظام را استخراج کنید، فکر کنید، راه حل های سنجیده و قوی پیش بینی کنید، اینها را مطرح کنید»^۲.

۱۲. حل مسأله به شکل عمیق و علمی و گشودن گره های ذهنی

^۱ ۱۳۸۸/۰۹/۲۲

^۲ ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

«ما نمی‌خواهیم این قضیه را با شعار و با «صلوات بفرستید تمام بشود» و مانند اینها پیش ببریم؛ می‌خواهیم مسئله به شکل عمیق و علمی حل بشود؛ گره‌های ذهنی‌ای که وجود دارد باز بشود، حقیقت قضیه روشن بشود و به اعتقاد من ما می‌توانیم این کار را بکنیم؛ یعنی متفکرین ما و صاحبان دانش مرتبط با مسئله -در هر بخشی از بخش‌ها- می‌توانند در این زمینه منطق صحیح و قابل قبولی را ارائه کنند. این همایش البته قدم اول است، یعنی قدم ابتدایی است، [اما] از گذاشتن قانون به‌نظر من مهم‌تر است»^۱.

۱۳. استدلال، تبیین و تکرار

«گفتمان باید جزو واضحات و بینات فکری مردم بشود. باید این قدر این گفته بشود، استدلال بشود، تبیین بشود، تکرار بشود که به‌صورت یک گفتمان قطعی دربیاید»^۲.

۱۴. راسخ نمودن همت‌ها و عزم‌ها

«با تبیین کردن، تکرارکردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن ... مسئله به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم تا نخواهیم، طراحی و

^۱ ۱۳۹۲/۰۸/۰۶.

^۲ ۱۳۹۶/۰۶/۳۰.

برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید باید تبیین بشود^۱».

۱۵. الگوسازی از لوازم گفتمان‌سازی

«یکی از چیزهایی که بلاشک در این حوادث مؤثر بود، الگوسازی و گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی بود. انقلاب اسلامی برای مسلمان‌ها الگو شد ... این انقلاب آمد، نظام درست کرد، این نظام باقی ماند، روزه‌روز قوی‌تر شد، روزه‌روز هم پیشرفته‌تر شد، این می‌شود الگو؛ این الگوسازی یک گفتمانی را به وجود می‌آورد ... بخش مهمی از تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، ناظر به این است که الگوسازی نشود، در چشم ملت‌های مسلمان، جمهوری اسلامی به صورت یک الگوی موفق درنیاید و در چشم ملت‌ها جلوه نکند؛ چون وقتی الگو پیدا شد، مردم به سمت آن حرکت می‌کنند: وقتی توفیق این الگو دانسته شد، مردم تشویق می‌شوند^۲».

وجود برنامه خوب، ثبات در مدیریت، اهتمام به فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی. این چیزی که اخیراً من دیدم که این جوان‌های دانش‌آموز دنبال این کار هستند و دارند این مسئله را در حدی که از توانایی‌های معمول دانش‌آموزهای ما بالاتر است دنبال می‌کنند یا برای بخش‌های مختلف

^۱ ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

^۲ ۱۳۸۹/۱۲/۱۹

کارهایی انجام گرفته، این گفتمان سازی است، این گفتمان سازی خیلی مهم است ... ما این را الگو قرار بدهیم برای کارهای گوناگون مان و همین عوامل پیشرفت را که به بعضی از آن ها اشاره کردم، حفظ کنیم یعنی برنامه را روزه روزتکمیل کنیم^۱».

۱۶. ایجاد فضای علمی و تخصصی برای تضارب آرا و اندیشه ها

«ایجاد فضایی علمی و تخصصی برای تضارب آرا و اندیشه ها در جهت ایجاد گفتمان علمی و کاربردی و تصمیم سازی درباره موضوعات راهبردی ومورد نیاز کشور است^۲ ... یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن درس سطح عموم جامعه به وجود بیاید. وقتی درس سطح جامعه منتشر شود، ذهن نخبگان و سپس ذهن عموم مردم را به یک سمت اساسی سوق خواهد داد... گسترش آزاداندیشی هم مهم است. واقعاً انسان ها باید بتوانند در یک فضای آزاد فکر کنند. آزادی بیان تابعی از آزادی فکر است. وقتی آزادی فکر بود، به طور طبیعی آزادی بیان هم هست. عمده، آزادی فکراست که انسان ها بتوانند آزاد بیندیشند. در غیر فضای آزاد فکری، امکان رشد وجود ندارد. برای فکر، برای علم، برای میدان های عظیم پیشرفت بشری اصلاً جایی وجود نخواهد داشت. ما در مباحث کلامی و مباحث فلسفی هرچه پیشرفت

^۱ ۱۳۹۳/۱۱/۱۱

^۲ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

داشتیم، در سایه مباحثه و جدل و بحث و وجود معارض داشتیم. اشکالی که ما همواره به بخش‌های فرهنگی داشته‌ایم، این بوده که به نقش خودشان به عنوان یک دولت اسلامی در صحنه‌ی کارزار فکری درست عمل نمی‌کنند. کارزار فکری باید باشد؛ منتها کارزار فکری عملاً به این شکل در نیاید که ما به قول سعدی، سگ را بگشاییم و سنگ را ببندیم؛ حربه را از دست اهل حق و اهل آن فکری که حق می‌دانیم، بگیریم، اما دست اهل باطل را باز بگذاریم که هر بلایی می‌خواهند، سرجوان‌های ما بیاورند نه، او حرف بزند، شما هم حرف بزنید و در جامعه فکر تزریق کنید. ما به تجربه دریافته‌ایم که آنجایی که سخن حق با منطق و آرایش لازم خودش به میدان می‌آید، هیچ سخنی در مقابل آن تاب پهلوزدن و مقاومت کردن نخواهد داشت^۱.

۱۷. قرارداد واضح و روشن شاخص‌ها در مقابل چشم مردم

«این گفتمان‌سازی برای چیست؟ برای این است که اندیشه دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان چیزی می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند. فرهنگ صحیح، معرفت صحیح، در مواردی بیدار باش، در مواردی هشداره اینها کارکردهای تبلیغ است؛ آثار و نتایجی است که بر تبلیغ مترتب می‌شود. یک نمونه، همین تبلیغات ماه محرم

است که به مناسبت عزاداری محرم انجام می‌گیرد. این، بهترین فرصت برای تبلیغ کردن است. از این فرصت باید استفاده کرد برای همان مطلبی که عرض شد شاخص ایجاد بشود مایز، شاخص سازی، معالم لطریق. اگر چنانچه سر دو راهی تابلویی نباشد که نشان بدهد راه فلان جا از کجاست، طرف راست است یا طرف چپ است، این سیرکننده و رونده، به خطا خواهد افتاد. اگر چند راهی باشد، گمراه خواهد شد. شاخص باید معین کرد، انگشت اشاره را بایستی واضح مقابل چشم همه قرار داد تا بتوانند گمراه نشوند. در دنیایی که اساس کار دشمنان حقیقت بر فتنه سازی است، اساس کار طرفداران حقیقت بایست بر این باشد که بصیرت را، راهنمایی را، هرچه می‌توانند، برجسته‌تر کنند و این شاخص‌ها را، این مایزها را، این معالم‌الطریق را بیشتر، واضح‌تر، روشن‌تر در مقابل چشم مردم قرار بدهند، که مردم بفهمند، تشخیص بدهند و گمراه نشوند^۱».

۱۸. نظریه سازی راه حل پیش‌بری و هدایت گفتمان

«الگوگرفتن بی‌قید و شرط از نظریه پردازهای غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه سازی، بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در

روانشناسی، در فلسفه آنها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند. در این زمینه‌ها ما باید نظریه‌پردازی‌های خودمان را داشته باشیم و باید کارکنیم؛ باید تلاش کنیم؛ دانشجو باید تلاش کند. دانشجو و محیط دانشگاه باید نگاه کلان به هدف‌های انقلاب داشته باشد؛ دنبال آنها برود^۱ ... باید با اتکای به دارایی‌های فراوان علمی، درمیان مدت و درازمدت ده‌ها نظریه و الگوی مترقی از اسلام استخراج و ارائه کرد^۲».

۱۹. واژه‌سازی از مقدمات مهم هر حرکت عمومی و هر نهضت

«یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که براساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود، هم بایستی «نهادسازی» بشود. وقتی یک فکر جدید- مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی- مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می‌کند. لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌ای متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند^۳ ... ما در باب حکومت حرف داریم، تفکر داریم، طرح داریم؛ و آن، طرح اسلامی است. این طرح هم در

^۱ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

^۲ ۱۳۹۰/۱۰/۱۶

^۳ ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

کتاب نیست، در واقعیت خارجی است و جلو چشم همه است. آن طرح چیست؟ مردمسالاری دینی. تعبیر دموکراسی را نمی‌خواهم به کار ببرم؛ چون من اصرار دارم واژه‌ها را چنان باید انتخاب کنیم که همه معنای خودش را ببخشد^۱ ... نباید اشتباه شود، این مردمسالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. اولاً مردمسالاری دینی دو چیز نیست؛ اینطور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاقت کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم نه. خود این مردمسالاری هم متعلق به دین است. مردمسالاری هم دو سر دارد ... یک سر مردمسالاری عبارت است از اینکه تشکّل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت گیرد ... سر دیگر قضیه مردمسالاری این است که حالا بعد از آنکه من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آنها وظایف جدّی و حقیقی داریم ... بعد از آنکه این نیمه اقل تحقق پیدا کرد، نوبت نیمه دوم است نوبت پاسخگویی است^۲ ... کلمه «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم، تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جا افتاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کارخودمان بکنیم.

^۱ ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

^۲ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». معادل معنای فارسی پیشرفت را می‌دانیم؛ می‌دانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؟ پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است. ما این وام نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته‌ایم. ما از کلمه امپریالیسم استفاده نکردیم، کلمه «استکبار» را آوردیم. ممکن است یک زوایایی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست. حساسیت ما بر روی آن زوایا نیست؛ حساسیت ما بر روی آن معنایی است که از کلمه استکبار به دست می‌آید. لذا این را مطرح کردیم، در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را می‌فهمد. و همچنین مفاهیم دیگری. مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما «پیشرفت» را به کار می‌بریم و تعریف می‌کنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست. مفهوم عدالت، مفهوم آزادی، مفهوم تکریم انسان با معانی اسلامی خودش مورد نظر ماست، نه با معانی غربی خودش. آزادی در منطق اسلامی معنایی دارد، غیر از آن معنای که آزادی در منطق غرب دارد. تکریم انسان، احترام به انسان، ارزش دادن به انسانی انسان در مفهوم اسلامی مغایر است با این مفهوم در معنای غربی و تلقی غربی ... ما از احترام به انسان، احترام به زن حرف می‌زنیم؛ این نبایستی اشتباه بشود با آنچه که در غرب در زیر این مفاهیم ترجمه می‌شود و گفته می‌شود و بیان می‌شود. مفاهیم اسلامی مورد

نظر است؛ عدالت با معنای اسلامی خود، آزادی با معنای اسلامی خود، کرامت انسان با معنای اسلامی خود که اینها همه در اسلام روشن است، مبین است. غربی‌ها هم برای خودشان یک حرفهایی دارند. در این زمینه‌ها، در این ارزش‌گذاری، راه آنها، راه کج و منحرفی است.^۱ ... در آخرین حرکت نیز بالأخره انقلاب اسلامی تکلیف خود را با مفهوم توسعه روشن کرده و اعلام می‌کند که اساساً نه توسعه غربی را و نه حتی لفظ توسعه را نمی‌خواهد و به جای آن واژه پیشرفت را انتخاب می‌کند.^۲ ... برای تقسیم درست ثروت و استفاده همگان از ثروت‌های عمومی، که یکی از اهداف والا و اساسی اسلام است، از واژه «سوسیالیسم» استفاده نمی‌کنیم. با اینکه سوسیالیسم هم از لحاظ معنای لغوی ناظر به همین معناست، لیکن با یک مفاهیم دیگری همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم؛ با یک واقعیت‌هایی در تاریخ و در جامعه همراه شده که ما آنها را قبول نداریم. لذا ما به جای استعمالات و اصطلاحاتی که بین چپ‌ها و مارکسیست‌ها و اینها معروف بود، اصطلاح «استکبار» را، اصطلاح «استضعاف» را، اصطلاح «مردمی بودن» را مطرح کردیم و آوردیم ... یکی از مشکلات ما در طول این سال‌ها این بوده که افرادی آمده‌اند مفاهیم اسلامی را با مفاهیم غربی ترجمه کرده‌اند، حرف‌های

^۱ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

^۲ ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

غربی‌ها را تکرار کرده‌اند، دنبال تحقق آن‌ها بودند؛ درحالی‌که انقلاب اسلامی برای این نیست^۱».

۲۰. بهره‌گیری از فرصت‌های زمانی مناسب همچون محرم

«گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت همه‌گیر بشود در برهه‌ای از زمان در یک جامعه. آن وقت، این می‌شود گفتمان جامعه ... یک نمونه، همین تبلیغات ماه محرم است که به مناسبت عزاداری محرم انجام می‌گیرد. این، بهترین فرصت برای تبلیغ کردن است. از این فرصت باید استفاده کرد برای همان مطلبی که عرض شد^۲».

۲۱. لزوم شکل‌گیری رقابت گفتمانی و تحمل آن

«رقابت گفتمانی چیز خوبی است، در صورتی‌که با تحمل مخالف همراه باشد. از وجود مخالف نه باید انسان تعجب بکند، نه باید انسان خشمگین بشود، نه باید انسان بیمناک بشود؛ هیچ‌کدام از این سه حالت در قبال مخالف، قابل قبول نیست. اگر انسان از داشتن مخالف تعجب بکند، معنای آن این است که نسبت به خودش خیلی خوشبین است، تعجب می‌کند که کسی با او مخالف باشد. تعجب ندارد! خب، هر انسانی، هرفکری، هر جهتی و

^۱ ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

^۲ ۱۳۸۸/۰۹/۲۲

جهت‌گیری و جریانی، یک عده مخالف دارد، اینجور هم نیست که بگوییم آن مخالف‌ها خطا می‌کنند نه، نقاط ضعفی وجود دارد و آن نقاط ضعف موجب می‌شود یک عده‌ای مخالفت بکنند. بنابراین وجود مخالف نباید تعجب ما را برانگیزد؛ همچنانکه نباید خشم ما را برانگیزد و عصبانی بشویم که چرا با ما مخالفانند، مخالفت قابل فهم است، قابل قبول است. وحشت هم نباید بکنیم وحشت کردن از وجود مخالف، نشان‌دهنده این است که انسان به استحکام موضع خودش خاطر جمع نیست و اطمینان ندارد نه، منطقی داریم، پایه‌های این منطق را محکم می‌کنیم، مستحکم می‌کنیم، وارد میدان رقابت گفتمانی می‌شویم، و بحث می‌کنیم^۱».

۲۲. استفاده از رسانه‌های جدید

«امروز اینترنت و ماهواره و وسایل ارتباطی بسیار متنوع وجود دارد و حرف، آسان به همه جای دنیا می‌رسد. میدان افکار مردم و مؤمنین، عرصه کارزار تفکرات گوناگون است. امروز ما در یک میدان جنگ و کارزار حقیقی فکری قرار داریم. این کارزار فکری به هیچ‌وجه به زیان ما نیست به سود ماست. اگر وارد این میدان بشویم و آنچه را که نیاز ماست - از مهمات تفکر اسلامی و انبیا‌های معارف الهی و اسلامی - بیرون بکشیم و صرف کنیم، قطعاً برد با ماست، لیکن

مساله این است که ما باید اینکار را بکنیم^۱... ما امروز در زمینه مسائل سیاسی، «مردم‌سالاری دینی» را عرضه می‌کنیم؛ در زمینه مسائل عمومی اجتماعی، «ابتناء تمدن بر معنویت» را ارائه می‌کنیم در زمینه‌های گوناگون، «کرامت انسان» را مطرح می‌کنیم، «آمیختگی دین و زندگی» را مطرح می‌کنیم. اینها حرف نویی است؛ اینها هیچ وقت در دنیا وجود نداشته، حتی قبل از دوران مادی‌گری و اومانیسم غرب و روی کار آمدن اندیشه‌های سکولار هم اینجور نبود که دین با زندگی توأم و همراه باشد... امروز شعار جمهوری اسلامی، آزادفکری است؛ توسعه علم و معرفت است؛ توجه به حقوق انسان‌ها و اختیارات انسان‌هاست؛ مهربانی و مهرورزی میان افراد انسان است؛ اینها شعار و پیام اسلام است؛ دنیا دنبال این‌هاست^۲.

۲۳. بهره‌گیری از هنرهای اثرگذار؛ به خصوص شعر

«شعر یکی از هنرهای اثرگذار است؛ یک خصوصیتی در شعر هست که در بسیاری از هنرهای دیگر نیست. خب بعضی از هنرها در بخش دیگری و به نوع دیگری خیلی اثرگذارند - مثل سینما، مثل تئاتر و از این قبیل - اما شعر یک جور دیگری اثرگذار است. شعر بایستی جریان‌سازی بکند؛ یعنی مجموعه‌ی شاعر کشور باید جوری شعر را در فضای هنری کشور و فضای شعری کشور

^۱ ۱۳۸۶/۰۲/۱۱

^۲ ۱۳۹۱/۰۵/۲۲

تنظیم بکنند و تولید بکنند و خلق بکنند و تکثیر بکنند که بتواند مسائل مهم و مورد ابتلاء کشور را گفتمان سازی کند و جریان سازی کند. فرض بفرمایید راجع به مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی مقاومت، مسئله‌ی اخلاق؛ ما چقدر احتیاج داریم به اخلاق معاشرتی با یکدیگر؛ ما، هم اخلاق فردی خودمان، اخلاق شخصی خودمان بایستی تهذیب بشود و رشد و علو پیدا بکند، هم اخلاق معاشرتی‌مان، رفتارهایمان با مردم، مثل گذشت، مثل ایثار، مثل صداقت، مثل اُخوت، برادری و از این چیزها. خوشبختانه در تاریخ شعر ما، در این زمینه خیلی حرف هست، خیلی اشعار عالی سروده شده و این گفتمان سازی باید ادامه پیدا کند ... ترانه و سرود، یک بخش لازم و یک شعبه‌ی لازم در زمینه‌ی هنر شعری است و خیلی هم تأثیر میگذارد؛ ترانه و سرود واقعاً تأثیرگذار است. ما در موارد بسیاری دیدهایم که مثلاً یک شعری در زبان جوان، نوجوان و افراد مختلف -دانشجو، دانش آموز و غیره- جریان دارد که خود این شعر موجب حرکت است، موجب نشاط است، موجب جهت دهی است. الان در این زمینه انصافاً ما کم داریم و کم گذاشته ایم^۱».

۲۴. بهره‌گیری از شیوه‌های هنری؛ تئاتر و کاریکاتور

«یکی دیگر از روش‌ها استفاده از بخشی از شیوه‌های هنری است که کمتر مورد توجه قرار گرفته؛ [مثلاً] تئاتر؛ تئاتر دانشجویی. متأسفانه در محیط هنری ما،

تئاتر از اوّل هم بد متولّد شده. یعنی تئاتر ما، یا تئاتر لغو بیهوده مثل روحوضی‌های مثلاً این‌جوری بوده، یا تئاتر اعتراضی بی‌جهت یعنی بدون سمت و سوی درست و حسابی بوده؛ بعد هم با یک زبان ابهام، خیال میکنند که تئاتر حتماً بایستی زبان ابهام و سمبلیک و رازآلود داشته باشد که چنین چیزی نیست. تئاتر یعنی بازیگری جلو چشم بیننده در صحنه. برخلاف سینما، برخلاف فیلم که فقط روی پرده شما یک چیزی را می‌بینید، اینجا در تئاتر، انسان انسانها را حس میکند، حرفشان را از زبان خودشان می‌شنود. در این میتواند خیلی چیزهای سازنده‌ای باشد. تئاتر؛ تئاترهای دانشجویی. گروه‌های هنرمند بنشینند واقعاً مفاهیم حقیقی اسلامی را [بیان کنند]. در همین حسینیّه سال‌ها پیش - شاید بیست سال پیش - یک تئاتری اجرا کردند برای ما، مربوط به حضرت ایوب پیغمبر که طول هم کشید؛ یک ساعت، دو ساعت، طول کشید. بعد که تمام شد، من به آن کارگردان گفتم که من داستان ایوب را در قرآن، شاید صد بار یا صدها بار تا حالا خوانده‌ام اما این فهمی را که امشب از ماجرای ایوب از تئاتر تو فهمیدم، در این مدّت از خواندن قرآن، این فهم را پیدا نکرده بودم. این چیز کمی است؟ کاریکاتور. کاریکاتور یکی از شیوه‌های هنری بسیار مؤثر است. طنز. کارهای طنز که جوانها خوشبختانه در این زمینه‌ها کارهای خوبی کرده‌اند و میکنند. اینها کارهای خیلی خوبی است. فعالیت دانشجویی صرفاً به معنای اعلام مواضع به وسیله‌ی یک اعلامیه نیست که یک کار تکراری است و ممکن است جاذبه‌ای نداشته باشد؛ یا یک کتاب

مثلاً بنویسیم بدهیم، یا یک جلسه‌ی دانشجویی [درست کنیم]؛ فقط اینها نیست؛ البته اینها هم خوب است^۱».

۲۵. نشریه صوتی، سرود، اجرای شعری

«کارهای جدید میتوان انجام داد. مثل فرض بفرمایید که سرود، یا نشریه‌های صوتی؛ بحث سرود، بحث شعر، یک کار هنری است؛ واقعاً بپردازند. مسائلی وجود دارد که با شعر، با اجرای شعری و هنری، تأثیر چند برابر پیدا می‌کند. از این روش‌ها استفاده کنند^۲».

۲۶. ایجاد توانایی تصمیم‌سازی

«توانایی تصمیم‌سازی خیلی خوب است. توانایی تصمیم‌گیری یکی از مشکلاتی است که اگر وارد محیط دانشجویی شد، خیلی از هنجارهای مطلوب و درست را به هم خواهد زد؛ این تجربه ماست. بگذاریم دانشجو با فکر خود، با زبان باز خود، با تعلق کم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‌سازی کند. تصمیم‌گیری را بگذاریم کسی بکند که بتوان از او سؤال کرد و او مسئول و پاسخگو باشد. بنابراین دنبال این نباشیم که محیط دانشجویی، محیط تصمیم‌گیر برای اقدام باشد. این نه به نفع دانشجویست، نه به نفع آن اقدام.

^۱ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

^۲ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

دنبال این باشیم که محیط دانشجویی تصمیم‌سازی کند یعنی گفتمان‌سازی کنید. ببینید بنده وقتی مسئله نهضت نرم‌افزاری را خواستم مطرح کنم، قبل از همه در دانشگاه با دانشجویها مطرح کردم؛ حدود ده سال قبل. نه با وزارت‌ها صحبت کرده بودم، نه با رئیس‌جمهور وقت صحبت کرده بودم، نه حبی با اساتید صحبت کردم. اول بار در دانشگاه امیرکبیر این فکر را به میان آوردم. امروز شما ببینید این یک گفتمان است، یک مطالبه عمومی است، یک خواست همه دانشگاه‌های کشور است که من هر جا هم می‌روم، از زبان دانشجو مطالبه‌اش را می‌شنوم؛ از زبان استاد و مدیر، اجرایش را در یک مرحله دیگر می‌شنوم، و اجرا هم دارد می‌شود. همین نوآوری‌های علمی بسیار بخشی از انگیزه و توان خودش را از این شعار گرفته: «تصمیم‌سازی کنید»، «گفتمان‌سازی کنید». این، مجری و مسئولین اجرایی را می‌کشد دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد^۱.

۲۷. مخاطب‌شناسی

«اولین نکته در تبلیغ، شناخت مخاطب است. اگر ما بخواهیم درست تبلیغ بکنیم باید مخاطب خودمان را بشناسیم. حالا من باب مثال عرض بکنیم که امروز سطح آگاهی عمومی - جوان و غیر جوان - با گذشته قابل مقایسه نیست؛ واقعاً قابل مقایسه نیست. تقریباً همه‌ی عمر تبلیغی بنده - شصت

سال، بیشتر - با جوانها گذشته؛ من از دوره‌ی جوانی در مشهد، جلسات داشتم که جوانها می‌آمدند، دانشگاهی‌ها می‌آمدند، دانشجویها می‌آمدند، دانش‌آموزهای دبیرستان [می‌آمدند]. آن روز هم فکر بچه‌ها خوب بود، جوانها خوشفکر بودند اما با امروز قابل مقایسه نبود؛ سطح فکر بالا رفته. تبلیغ بدون توجه به این واقعیت خنثی خواهد شد؛ باید بدانیم طرف مقابلمان در چه مرحله‌ی فکری قرار دارد تا محتوا را، ماده را و صورت را - هیئت را - بر طبق نیاز او تنظیم کنیم؛ بدون این فایده‌ای ندارد. علاوه بر اینکه سطح فکر جوان ما، نوجوان ما، مخاطب ما، بالا رفته، یک آفتی هم وجود دارد و آن اینکه در این آشفته‌بازار صداها، مختلف فضای مجازی و تکثر رسانه‌ای که وجود دارد، در این صداها، گوناگون، یک صدا در انزوا قرار گرفته و آن، صدای انتقال معارف نسلی و خانوادگی است. پدرها، مادرها خیلی چیزها را به بچه‌هایشان یاد میدادند؛ خیلی از این مردم ما، یعنی شاید بشود گفت اکثر [آنها]، معلومات دینی‌شان، دانسته‌های دینی‌شان، از زبان و رفتار پدر و مادر به اینها منتقل شده بود؛ این صدا امروز ضعیف شده؛ در این غوغای تکثر رسانه‌ای این صدا ضعیف شده؛ این هم یک نکته است که مخاطب ما، هم مخاطب بسیاری از حرفها است، هم انواع و اقسام مطالب به ذهن او رجوع میکند، هم از این طرف دچار مشکل است ... اگر چنانچه ما مواد تبلیغی‌مان و شیوه‌ی تبلیغمان متناسب با این وضعیت مخاطب نباشد، ناموفق خواهیم بود. این نکته‌ی اول. احتمال دارد که یکی از

مصادیق یا یکی از معانی این آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» همین باشد. اینکه حالا مثلاً اگر برای مردم ترک‌زبان پیغمبری فرستادند او بایست ترک‌زبان باشد، خب اینکه بدیهی است، بدون این که معنی ندارد؛ احتمال می‌دهم که این «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» یعنی با همان ترکیب فکری و ذهنی قوم باید حرف بزند، صحبت کند، تبیین کند^۱».

۲۸. حمله به مبانی فکری دشمن

«تبلیغ صرفاً پاسخگویی به شبهه نیست، موضع دفاعی نیست؛ این جور نیست که ما خیال کنیم بنشینیم ببینیم چه شبهه‌ای وجود دارد، پیشگیری کنیم از آن شبهه، یا پاسخ بدهیم به آن شبهه؛ خب بله، این کار که واجب است، لازم است اما فقط این نیست؛ طرف مقابل مبانی فکری دارد، باید به آن حمله کرد؛ طرف مقابل حرف دارد، فکر دارد، منطق دارد؛ مبانی این منطق، مبانی غلطی است؛ ما باید اینها را بشناسیم. در تبلیغ، موضع تهاجم لازم است. اگر چنانچه این موضع تهاجمی به معنای واقعی کلمه بخواهد تحقق پیدا کند، لازمه‌اش شناخت صحنه است؛ یعنی شما باید بدانید که وقتی با انبوه شبهه در ذهن جوانها مواجه میشوید، با چه کسی طرفید؛ ما با چه کسی طرفیم؟ حالا فرض کنید که یک شبهه‌ای را فلان سرمقاله‌نویس یا فلان

ستون نویسیِ فلان روزنامه یا مثلاً فلان توییت زن در فلان شبکه یک چیزی را مطرح کرده؛ ما با چه کسی طرفیم؟ این کیست؟ آیا این خودش است که این کار را دارد میکند؟ احتمال قوی هست که این جور نباشد، احتمال قوی هست که این یک پشتِ صحنه‌ای داشته باشد؛ آن پشتِ صحنه کیست؟ باید او را شناخت ... امروز این تقابل وجود دارد. این تقابل بین دو جبهه است؛ اگر این دو جبهه را درست بشناسیم، بعد تشخیص خواهیم داد که آن پدیده‌ای که در مواجهه‌ی با ما قد علم کرده، خودش مستقل است یا وابسته‌ی به آن جبهه‌ی مقابل است. این دو جبهه چه هستند؟ یک جبهه، جبهه‌ی «نظام اسلامی» است. که بعد دو سه کلمه عرض میکنم. یک جبهه، جبهه‌ی دروغ‌گویی است که خودش را «لیبرال دموکراسی» نام‌گذاری کرده، در حالی که نه لیبرال است، نه دموکرات ... امام (رضوان الله تعالی علیه) آمریکا را مفتخر کردند به لقب «شیطان بزرگ»؛ واقعش همین است. مجموعه‌ای از شیطان‌صفتی‌ها و شرارتها در آمریکا وجود دارد که همه‌ی اینها میتواند آماج حملات تبلیغی قرار بگیرد؛ اینکه می‌گوییم در موضع دفاعی متوقف نشویم، یکی از مواردش همین است. امروز شرارتها و شیطان‌صفتی‌های آمریکایی‌ها در سیاست هست، در تعامل با ملت‌ها هست، در تعامل با ملت خودشان هست، در نژادپرستی هست، در اختلاف طبقاتی

هست، در اخلاق جنسی هست، در بی‌رحمی هست؛ اینها همه نقطه ضعف است. هر جا وارد بشوند بی‌رحمانه [رفتار میکنند]^۱».

۲۹. روحیه جهادی در تبلیغ

در میدان حاضر بودن

«اگر در همه‌ی کارها روحیه‌ی جهادی باشد، کار، پیشرفتِ مضاعف میکند اما اینجا تبلیغ بدون روحیه‌ی جهادی، روح لازم را ندارد. اگر روحیه‌ی جهادی نباشد، اولاً انسان گاهی صحنه را خطا میکند و غلط میبیند، [ثانیاً] گاهی در رفتار غلط عمل میکند. وقتی که حالت جهادی باشد، نه، غالباً درست میبیند و همیشه خوب عمل میکند و پیش میرود. البته روحیه‌ی جهادی که عرض میکنیم، معنایش این نیست که توانایی‌های معرفتی و اخلاقی و مانند اینها لازم نیست؛ چرا، آنها به جای خودش واجب است اما روحیه‌ی جهادی هم لازم است. این روحیه‌ی جهادی با توجه به این آیه‌ی شریفه است: «وَلَا يَطُؤْنَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ؛ آن کاری که غیظ کفار را برانگیزد، عمل صالح است. «يَنَالُونَ مِنْهُ» یعنی ضربه زدن؛ «نَالٌ» به دو معنا استفاده میشود، اما وقتی با «مِنْ» باشد، لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا، معنایش این است که ضربه‌ای به او نمیزند، إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ، [مگر اینکه برای او] عمل صالح مینویسند؛ خب، این

بهترین جهاد است دیگر. روحانیت باید وسط میدان باشد، باید مأیوس نشود؛ خاصیت عمل جهادی این است. در حاشیه نشستن و گاهی مثلاً یک اشاره‌ای کردن، یک نصیحتی کردن، یک پیامی دادن، مثل روحانیت مسیحی، کافی نیست. حالا البتّه روحانیت مسیحی چند جور هستند؛ بعضی‌شان در کلیساها محبوس بودند، [یعنی] خودشان را محبوس کردند، بعضی بعکس، پیش‌قراول استعمار شدند. در آمریکای لاتین و در آفریقا و مانند اینها قبل از اینکه استعمارگرها پا بگذارند و نیروهای نظامی بروند جلو، کشتی‌ها رفتند، مردم را آماده کردند برای اینکه آنها بیایند پدرشان را در بیاورند؛ بعضی‌شان هم این جوری وارد شدند. اما خب روحانیت اسلام باید وسط میدان جهاد لله و بالله و فی الله قرار بگیرد و مأیوس هم نشود. وقتی این عنصر مجاهدت با نگاه علمی، با کار علمی همراه بشود، حتماً تأثیر تبلیغ تضمین شده است^۱».

۳۰. توجّه ویژه به نسل جوان و نوجوان

نکته‌ی بعدی توجّه ویژه به نسل جوان و نوجوان است که فردای کشور را اینها تشکیل میدهند. البتّه از دیگر قشرها نباید غفلت کرد؛ قشر اهل فکر، صاحبان فکر، صاحبان نظر، عالمان، دانشمندان، هنرمندان، نویسندگان، شاعران؛ برای همه‌ی اینها بایستی انسان خوراک فکری داشته باشد، آمادگی

داشته باشد. یک وقتی چند سال قبل از این، تعداد زیادی، شاید پنجاه شصت نفر یا بیشتر از سینماگرهای کشور آمدند اینجا، در بالای این حسینیه با بنده ملاقات داشتند؛ حرفهایی میزدند، گله‌هایی داشتند. من به این نتیجه رسیدم که ما گاهی توقع زیادی میکنیم از اینها؛ ما کی معارف لازم را در اختیار اینها گذاشتیم که حالا گله کنیم که چرا بر اساس این معارف شما فیلم نساختید؟ مواد را ما باید بدهیم؛ یکی از کارها این است. اینها درست است؛ یعنی بنابراین در بخشهای مختلف باید مواجهه‌ی تبلیغی مناسب با اصحاب فکر، اصحاب هنر، اصحاب قلم، اصحاب بیان بشود لکن اهمّ از همه، قشر جوان و نوجوان است؛ فردای کشور مال اینها است، در اختیار اینها است؛ ایمانشان باید محکم باشد، ذهنشان باید خالی از شبهه باشد. ابزارهای ترغیب جوانان به التزام عملی به دین، خیلی مهم است. ما گاهی جوانی داریم که حماسه و علاقه و شور حسینی مثلاً فرض کنید او را میکشاند به یک راه درستی، به راه مجاهدت، اما در اعمال عبادی ضعیف است. خوب اعمال عبادی خیلی اهمّیت دارد. نماز خیرالعمل است دیگر؛ از همه‌ی اعمال بالاتر است دیگر؛ فلاح است، خیرالعمل است؛ مثلاً فرض کنید از نماز گاهی غفلت میکند؛ از این قبیل داریم. [برای اینکه] چیزی بتواند این جوان را به اعمال عبادی و اجتناب از گناهان تشویق کند، عواملی، جاذبه‌هایی

وجود دارد؛ یکی از این جاذبه‌ها مسجد است، یکی از این جاذبه‌ها هیئت است؛ اینها مهم است^۱».

۳۱. تشکیل کانون‌های عظیم تبلیغی

اگر ما بخواهیم به قدر ظرفیت یا نزدیک به اندازه‌ی مورد نیاز ظرفیت، عناصر تبلیغی با این خصوصیات داشته باشیم، احتیاج داریم به کانونهای عظیم حوزوی. در حوزه، کانونهایی باید به وجود بیاید فقط برای همین: برای تربیت مبلغ؛ و پشتوانه‌ی فکری و تحقیقی و علمی هم داشته باشد؛ یعنی اینکه می‌گوییم «ما روی تبلیغ تکیه می‌کنیم»، بهانه نشود که بعضی‌ها بگویند بنابراین دیگر کفایه نمی‌خوانیم، درس خارج نمی‌رویم؛ نه، این پشتیبانی‌های علمی لازم است، منتها توجه به این بخش قضیه خیلی ضروری است؛ احتیاج داریم به یک کانون اساسی. مرکز هم در درجه‌ی اول، حوزه‌ی علمیه‌ی قم است؛ وقتی در قم این کار انجام گرفت و تجربه‌ای شد، آن وقت در حوزه‌های بزرگ سراسر کشور هم این کار می‌تواند تکرار بشود؛ تشکیل کانونی با مأموریت اولاً «تهیه‌ی مواد تبلیغی به روز». یک چیزهایی هست که امروز مناسب است در منبر گفته بشود، فردا ممکن است از اثر بیفتد، بی‌فایده باشد؛ پارسال می‌گفتیم مناسب بود، امسال [نه]؛ یعنی دنیا این جوری دارد پیش می‌رود و حوادث، این جوری دارد پی‌درپی به وجود می‌آید. مواد تبلیغی لازم به روز

تولید بشود. در این زمینه، منابع کتاب و سنت این قدر پُرعمق و پُر مغز است که هرگز تمام نخواهد شد. این قدر میتوانید از قرآن استفاده کنید، مطلب جدید و نو، سخن نو و مثنوی به قرآن و حدیث میتوانید به دست بیاورید که همه‌ی این صحنه را اشباع خواهد کرد. پس یکی از مأموریت‌های این کانون بزرگ، تهیه‌ی مواد است. مأموریت دوم، تنظیم شیوه‌های اثرگذار تبلیغی است. بالاخره شیوه‌های تبلیغی ما محدود است. ای بسا شیوه‌های اثرگذار بهتری، بیشتری وجود داشته باشد؛ این شیوه‌ها در آن مرکز بایستی تنظیم بشود، تهیه بشود. در این قضیه غربی‌ها از ما جلویند؛ شیوه‌های نوبه‌نو، شیوه‌های اثربخش برای پیام‌ها دارند؛ ما در این زمینه‌ها عقبیم. شیوه‌هایی را بایستی حتماً تنظیم کنیم، تولید کنیم، فنّ بیان را به معنای واقعی کلمه تعلیم بدهیم. این مأموریت دوم. بعد هم تربیت مبلّغ. در این کانون به معنای واقعی کلمه مبلّغ تربیت بشود. همچنان که مجتهد تربیت میکنیم، مبلّغ تربیت کنیم.

بخش سوم: عناصر گفتمان ساز
صاحبان ذهن فعال و زبان گویا

۱. صاحبان فکر، مسئولان و دلسوزان

«نقطه مقابل آنها بایستی کار بشود مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد»^۱.

۲. خواص، اندیشمندان جامعه، اساتید دانشگاه، نخبگان علمی، فرزندان

«ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آنها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه نجات ملت‌ها شود؛ همچنان که خدای نخواست می‌توانند به سمتی ببرند که مایه بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود .. روایتی است از رسول مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله، که می‌فرماید: «لَا تُصْلِحَ عَوَامُ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بِخَوَاصِّهَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خَوَاصُّهَا قَالَ الْعُلَمَاءُ» اول علما را ذکر کرد، بعد چند دسته دیگر را. بنابراین اساتید دانشگاه، فرزندان و نخبگان علمی در هر کشوری می‌توانند سر رشته دار حرکت مردم شوند البته به شرط اخلاص، به شرط شجاعت، به شرط نرسیدن از

دشمنان. اگر ترس آمد، اگر طمع آمد، اگر غفلت آمد، اگر تنبلی آمد، کار خراب خواهد شد^۱».

رسانه‌ها، روحانیون، بزرگان، اساتید دانشگاهی

«گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفس میکنند چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان‌سازی انجام بگیرد که البته نقش رسانه‌ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است^۲».

۳. آقایان و خانم‌های مؤثر

«یا همین تشریفات زائد ازدواج- خرج‌های زیاد، مجالس متعدد- که واقعاً انسان دلش می‌گیرد وقتی می‌شنود. اینها از آن مواردی است که گفتمان‌سازی می‌خواهد. خانم‌های مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، بخصوص صداوسیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند این را از این حالت بیرون بیاورند^۳».

۴. ائمه جمعه و شخصیت‌های برجسته استان‌ها

^۱ ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

^۲ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

^۳ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

«وقتی شما در مورد یک عنوانی از این عناوینِ مهمّ اساسی انقلاب به یک نتیجه‌ای رسیدید، این را باید تبدیل بکنید به گفتمان؛ [مثلاً] در نشریه منتشر بکنید. شما جمعیت زیادی هستید؛ عده‌ی کثیری از آقایان، ائمه‌ی جمعه هستند یا شخصیت‌های برجسته‌ی استانها هستند یا در مرکز هستند، دارای منبر هستند، می‌توانند با مردم حرف بزنند و مخاطب قرار بدهند مردم را؛ تکرار بکنید، بگویید، تا گفتمان بشود».

۵. صدا و سیما

«در همه برنامه‌ها نگرش به محتوا را الزامی کنید؛ همه برنامه‌های شما باید پیام داشته باشد. پیام داشتن، لزوماً به معنای دلگیر بودن و خسته‌کننده بودن نیست، که انسان بگوید مردم خسته می‌شوند نه، ممکن است این پیام در ضمن یک برنامه کاملاً شیرین و سرگرم‌کننده باشد اما پیام داشته باشد. برنامه‌های ما نه فقط نباید پیام منفی داشته باشد، بلکه باید بدون پیام هم نباشد؛ یعنی خنثی هم نباشد. سریالی که تولید می‌کنید، میزگردی که می‌گذارید، فیلمی که می‌سازید، مسابقه‌ای که ترتیب می‌دهید؛ بالاخره می‌خواهید محورهای مهمی را که مسئولیت شماست، در بین مردم توسعه دهید. شما کدام محور را می‌خواهید به این وسیله تبیین کنید؟ این باید روشن شود. به وسیله برنامه‌های خوب و برنامه‌سازی‌های خوب،

گفتمان‌های مورد نیاز جامعه را - که گاهی باید موضوعی را به شکل گفتمان عمومی درآورد- تأمین و تضمین کنید^۱ ... ما صدا و سیما را عمده‌ترین مرکز هدایت فکری می‌دانیم^۲ ... ما یک مأموریت محوری برای رسانه ملی قائل هستیم، که الزاماتی دارد و این مأموریت ملی اهداف کلانی را هم با خودش همراه دارد. به نظر ما آن مأموریت محوری عبارت است از مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه، اخلاق رفتاری جامعه، جهت‌دهی به فکر و فرهنگ عمومی، آسیب‌زدایی از فکر و فرهنگ و اخلاق جامعه، تشویق به پیشرفت - یعنی روحیه دادن - و زدودن احساس عقب‌ماندگی^۳».

۶. هسته‌های فکری، عملی و جهادی

«توصیه‌ی بعدی؛ تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه. نگوئید در دانشگاه دیگر نمیشود کاری کرد؛ شنفتم این را که بعضی‌ها میگویند که «آقا، دیگر در دانشگاه نمیشود کاری کرد»؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی میشود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد. چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما. شما تشکلهای هستید که در دانشگاه باید کار

^۱ ۱۳۸۳/۰۹/۱۱

^۲ ۱۳۸۹/۰۴/۱۲

^۳ ۱۳۸۳/۰۹/۱۱

بکنید. البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش به‌اختیار ... خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید- آنجایی که احساس میکنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمیتواند درست مدیریت کند، آنجا آتش به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید^۱».

۷. دانشجویان و جوانان

«ممکن است کسی بگوید ما این آرمان‌ها را چه جوری دنبال بکنیم؟ ما که در کشور اثری نداریم؛ یک عده مدیرانی هستند، دارند کار خودشان را میکنند، ما هم اینجا شعار میدهیم، حرف می‌زنیم. این اشتباه در فهم مسئله است؛ هرگز این جوری نیست. دانشجوی تصمیم‌ساز است؛ دانشجو گفتمان‌ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال میکنید، می‌گویید، تکرار می‌کنید و بعد پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می‌کند، این موجب تصمیم‌سازی میشود؛ زید تصمیم‌گیر در فلان مرکز تصمیم‌گیری مدیریت کشوری، وقتی که یک چیزی به‌عنوان یک گفتمان درآمد، مجبور می‌شود دنبال بکند. یک نمونه‌ی زنده‌اش همین گفتمان نهضت نرم‌افزاری و احیای

حرکت علمی است که مطرح شد، تکرار شد، خوشبختانه استقبال شد و به عنوان یک گفتمان درآمد؛ حرکت جامعه براساس آن به وجود آمد؛ ده پانزده سال است که ما از لحاظ علمی داریم همین طور حرکت میکنیم و جلو میرویم. در همه ی زمینه ها همین جور است، دانشجو میتواند مؤثر باشد. کسی از عزیزان از قول مرحوم شهید بهشتی، نقل کردند که ایشان فرمودند که دانشجو مؤذن جامعه است؛ وقتی که خواب بماند، مردم هم خواب می مانند؛ خب، تعبیر خوبی است؛ شما می توانید بیدارکننده باشید، می توانید گفتمان ساز باشید، به هیچ وجه تصوّر نکنید که این کارهای دانشجویی شما، کارهای بی اثری است^۱ ... دشمن در تلاش است با سلب اعتماد به نقش دانشگاهیان، تئوری های ترجمه ای را در ذهن آنها رسوخ دهد و آنان را از مردم جدا سازد که مهم ترین راه مقابله با این تلاش ها، حفظ ارتباط و پیوستگی فکری دانشجویان و دانشگاهیان با مردم و تمسک هرچه بیشتر آنها به ریشه ها و اصول انقلاب اسلامی است^۲ ... دانشجو را ما جزو مجموعه های نمایشگر وجدان بیدار ملت و کشور به حساب بیاوریم که واقع قضیه همین است. اگر دانشجویان در یک جامعه ای جهت گیری ای داشته باشند و حرکتی بکنند و خواستی داشته باشند، این نشان دهنده گرایش عمومی جامعه است. در همه جای دنیا هم همین جور است. دانشجو در واقع

^۱ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

^۲ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

جزو مجموعه هایی است که وجدان بیدار ملت را و جهت گیری های آن را نشان می دهد، لذا باید دانشجو خیلی آگاهانه با مسائل برخورد کند؛ وضعیت خود را، وضعیت محیط خود را، تهدیدها را، فرصت ها را، دشمن ها را، دشمنی ها را باید بشناسد. [البته] انتظار این را نداریم که دانشجو از درس و بحث و کار گوناگون، بزند و فقط به کار سیاسی بپردازد، نه، این [منظور] نیست: انتظار داریم که با چشم باز با نگاه روشن، با احساس تکلیف و با انگیزه به مسائل نگاه کند، این انتظار ما از دانشجو است^۱».

۸. شاعران و شعر انقلاب

متصدی، مباشر و میدان دار ارائه گفتمان انقلاب اسلامی

«شعر انقلاب یک هویتی دارد؛ در واقع متصدی و مباشر و میدان دار ارائه گفتمان انقلاب اسلامی است، این را باید حفظ کنید؛ نباید این تحت الشعاع برخی از هیجاناتی قرار بگیرد که ناشی از تألمات شاعر است نسبت به یک مسئله ای، نسبت به یک قضیه ای، نسبت به یک چیزی. بالاخره همه جا هنجاری هاتی وجود دارد، روح لطیف شاعر هم دچار تألماتی می شود، این تألمات طبعاً در شعر اثر می گذارد، منتها نبایستی آن گفتمان اصلی انقلاب، آن

هویت اصلی انقلاب مغلوب این تألمات شود. باید برای انقلاب حرف بزنید، باید برای گفتمان انقلاب تلاش و کار کنید^۱».

۹. نویسندگان و داستان نویسان

معرفی کنندگان انقلاب به جهان و نسل نو و ارائه دهندگان مبانی

«این انقلاب، با این عظمت و ابعاد و آثار علمی، از لحاظ ارائه مبانی فکری خودش، یکی از ضعیف‌ترین و کم‌کارترین انقلاب‌ها و بلکه تحولات دنیاست. وقتی انقلاب اکتبر تحقق پیدا می‌کند، در طول ده پانزده سال، آن قدر کتاب و فیلم و قصه و جزوه در سطوح مختلف، راجع به مبانی فکری این انقلاب نوشته می‌شود که در کشورهایی که باد آن انقلاب به آنها رسیده، دیگر مردم احتیاجی ندارند که از کتاب‌های آنها استفاده کنند! آن قدر فضای ذهنی پر شده است که روشنفکرهای خود کشورها می‌نشینند راجع به مبانی ارزشی و فکری آنها کتاب می‌نویسند! در سه چهارده گذشته، چقدر ایرانی‌ها درباره مبانی فکری انقلاب شوروی، به زبان فارسی کتاب نوشتند، چون دیگر اشباع شده بودند؛ یعنی آن‌ها آن قدر نوشتند که همه روشنفکرهایی که به نحوی از لحاظ فکری با آنها ارتباط پیدا می‌کردند، از لحاظ فکری اشباع می‌شدند و بعد یک آدم مثلاً دست به قلم و با فکر و روشنفکری، خودش می‌جوشید و مطالبی، غیر از ترجمه‌های فراوانی که از آثار آن‌ها می‌شد، می‌نوشت. ما چه کار کرده‌ایم؟ کاری

که ما در این زمینه کرده‌ایم، واقعاً خیلی کم است. گاهی انسان دلش نمی‌آید که بگوید در حد صفر، چون واقعاً کسانی با اخلاص کارهایی کرده‌اند، اما اگر نخواهیم ملاحظه این جهات عاطفی را بکنیم، باید بگوییم یک ذره بیشتر از صفر. سال‌ها از انقلاب می‌گذرد خوب بود که صدها نویسنده اسلامی، مبانی انقلاب را بنویسند. می‌بایست تربیت می‌کردیم، که نکردیم^۱».

۱۰. شعرا و مداح‌ها

«شما می‌توانید گفتمان‌سازی کنید. آنچه من انتظار دارم از جامعه‌ی مدّاح - که امروز بحمدالله، هم زیادند، هم باکیفیتند، هم ارزشمدارند - این است که بتوانید گفتمان در جامعه به وجود بیاورید، فکر به وجود بیاورید. گفتمان یعنی آن فکری، آن اندیشه‌ی عملی‌ای که رواج پیدا می‌کند در بین مردم و می‌شود سگّه‌ی رایج؛ این گفتمان است. در هر برهه‌ای از زمان لازم است که یک سگّه‌ی رایجی دست همه‌ی مردم باشد؛ این کار را شما می‌توانید بکنید. یک روز، روز دوران دفاع مقدّس بود، لازم بود مردم آماده بشوند برای دفاع یا برای پشتیبانی؛ شعرای ما و مدّاح‌های ما در آن وقت نقش‌های خوب ایفا کردند. البته بعضی هم دامنشان را برجیدند و یک کناری نشستند؛ از این قبیل هم داشتیم، اما یک عده‌ای وارد میدان شدند و تأثیر گذاشتند. اینکه شما امروز از فکّه و شلمچه می‌گویید، خب فکّه و شلمچه مال سی سال قبل است اما فکّه

و شلمچه از یاد نخواهد رفت و در تاریخ این کشور خواهد ماند؛ چرا؟ چون نقش ایفا کرده، چون اگر امروز شما استقلال دارید، اگر آزادی دارید، اگر عزّت دارید، اگر هویت دارید، اگر دشمن بر شما مسلط نشده است، اگر ناموستان محفوظ است، این به خاطر همان فکّه و شلمچه است ... خوشبختانه امروز شعرای مذهبی ما که در مرثیه و مدح حرف می‌زنند - همین اخیراً برای من کتاب‌هایی را آوردند؛ در مورد توحید، در مورد عاشورا، در این زمینه‌ها کارهای خوب خیلی انجام گرفته - شعرای گشاده‌زبان و باذوق و مضمون‌یاب و مضمون‌ساز و خوش‌لفظ و خوش‌معنا هستند. بحمدالله مدّاحان خوش‌حجره و خوش‌صوت و گرم و گیرا هم هستند؛ این خیلی فرصت بزرگی در اختیار کشور ما و ملت ما است؛ از این باید استفاده کرد^۱».

۱۱. نماز جمعه

«همان‌طور که گفتم، مسئله‌ی نماز جمعه و امثال اینها، که اینها گفتمان درست می‌کند، اینها فکر و مطالبه‌ی عمومی ایجاد می‌کند و این خیلی باارزش است، کشور را می‌کشانند به یک سمت مشخصی، البته تداوم کاری لازم دارد، استقامت لازم دارد، درست گفتن لازم دارد، تکرار لازم دارد، ممکن است یک زمانی هم طول بکشد^۲».

^۱ ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

^۲ ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

۱۲. گروه‌های جهادی

«همین طور پیش بروید و بگذارید ما یک مجموعه‌ی عظیمی از نسل انقلاب اسلامی را در کشورمان شاهد باشیم که از لحاظ سطح فهم مسائل مدیریتی و خدمت‌رسانی و ایجاد عدالت و قیام به قسط - که اینها در اسلام لازم است و جامعه‌ی اسلامی قیام به قسط لازم دارد - به جایی برسد که ذهنهای معمولی بشر به آنجا نرسیده و باید از آن الگو بگیرند. این یک [نکته] که خلاصه‌اش پیشرفت در جهت اندیشه‌ی جهادی و کار جهادی و فکر جهادی است. آن وقتی کار، شکل عمومی و مردمی پیدا خواهد کرد که این فکر شما، این جهت‌گیری شما تبدیل به یک گفتمان عمومی بشود. [شما] در این مجموعه‌ی دوازده هزار [گروهی] که ایشان میگویند، ده درصد جوانهای کشور، یا مثلاً پانزده درصد جوانهای کشور هستید؛ آن ۹۰ درصد یا ۸۵ درصد دیگر چرا باید از این حرکت جهادی مبارک، از این کار محروم بمانند؟ سعی کنید ترویج کنید و این ترویج در صورتی آسان خواهد شد که به گفتمان تبدیل بشود. ما در طول گذشته‌ی خودمان، در مسائل گوناگونی این را داشته‌ایم که حالا مثالهایش در ذهنم هست و دیگر نمیخواهم [بگویم]. شما میتوانید با ترویج این گفتمان عده‌ی خودتان را افزایش بدهید؛ همچنان که کیفیت خودتان را زیاد میکنید، کمیت خودتان را هم میتوانید افزایش بدهید که یکی از وسایلی همان است که به ایشان گفتم [یعنی] کار تبلیغاتی است؛

تبلیغات درست، تبلیغات هنری^۱ .. کارهای خود، پیشرفت‌های خود، موقعیت‌های خود، توانائی‌های روزافزون خود را به شکل هنرمندانه به اطلاع همگان برسانید. نشان دهید که جهاد موفق شما که فقط بر گوشه‌ئی از ظرفیت‌های انسانی کشور متکی است، چقدر زیبا و شوق‌انگیز است^۲».

^۱ ۱۳۹۸/۰۵/۱۰.

^۲ ۱۳۹۸/۰۵/۲۳.

بخش چهارم: پرهیزها و زنها در گفتمان سازی

۱. تبیین به دور از زیاده‌روی

«آخرین مطلب، مسئله گفتمان‌سازی است ... این با گفتن حاصل می‌شود با تبیین لازم- تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون- حاصل می‌شود با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد»^۱.

۲. پرهیز از گفتمان‌های شبه‌روشنفکری و غربی

«امروز تئوریسین‌ها و تبلیغات‌چی‌های غربی در صددند خط ارتجاع به غرب- خط برگشت به همان تحمیل‌پذیری غربی- را دوباره برگردانند. البته همانطور که گفتم، تحت عنوان یک تئوری شبه‌روشنفکرانه به عنوان یک حرف نو؛ تئوری جهانی شدن و تئوری تغییر گفتمان. می‌گویند دانشجوی این دوره دیگر نمی‌تواند دانشجوی دوران ضداستعماری باشد. می‌گویند دوران ضدیت با استعمار و استکبار و مرگ بر استکبار گفتن، گذشته است، دوران عدالتخواهی و مبارزه با سرمایه‌داری سرآمده است دوران آرمان‌خواهی و تبری و تولای سیاسی تمام شده است، گفتمان جدید دانشجویی عبارت است از گفتمان جهانی، جهانی‌شدن، گفتمان واقع‌بینی، گفتمان پیوستن به نظم نوین جهانی، یعنی سیاهی لشکر آمریکا شدن؛ این جهانی‌شدن، اسمش جهانی

شدن است اما باطن آمریکایی شدن است. معنایش این است که ملت ایران علیرغم مجاهدت‌هایی که کرده، علیرغم پرچم‌هایی که بر قله‌های پیروزی کوبیده، علیرغم بیداری عظیمی که در ملت‌های مسلمان به وجود آورده، باید دوباره مثل دوران قبل از انقلاب، سیاهی‌لشکر و عمه و ابزار تأمین منافع آمریکایی‌ها شود.^۱»

۳. پرهیز از وانمودهای غلط از گفتمان‌های حاکم

«البته تلاش‌هایی می‌شود که مسائل غیر اصلی، مسائل اصلی وانمود شود؛ خواسته‌های غیرحقیقی- یا حقیقی، اما درجه دو- به عنوان گفتمان اصلی وانمود شود، لیکن گفتمان اصلی این ملت این‌ها نیست، گفتمان اصلی این ملت این است که همه، راه‌هایی را برای تقویت نظام، اصلاح کارها و روش‌ها، گشودن گره‌ها، تبیین آرمان‌ها و هدف‌ها برای آحاد مردم، استفاده از نیروی عظیم ابتکار و حرکت و خواست و انگیزه و ایمان این مردم مؤمن و راه به سمت آرمان‌های عالی این نظام- که همه را به سعادت خواهد رساند- پیدا کنند. آن چیزی که باید ذهن‌ها و دل‌ها و فکرها بر روی آن متمرکز شود، این است. البته کارهای زیادی داریم و وظایف و مسئولیت‌های زیادی بر دوش

همه ماست. هرکس باید کار خود را به بهترین نحوی که برای او ممکن است، انجام دهد^۱».

۴. **مراقبت از اینکه تألمات، ما را از گفتمان اصلی دور نکند و به مخالفان گفتمان نزدیک نکند**

«آن جریانی که با اصل انقلاب، با اصل گفتمان انقلاب، با اصل حرکت آزادی خواهانه ملت ایران و حرکت دین مدار انقلاب اسلامی مخالفاند، اگر انسان مراقب حفظ آن هویت و گفتمان اصلی انقلاب نباشد، زبانش به زبان آنها نزدیک می شود ... باید مراقب باشید شما اعتراضتان به یک ناهنجاری است، درحالی که اعتقاداتان به اصل گفتمان انقلاب اسلامی است. اما یکی هست که اعتراضش به همین اصل گفتمان است. مراقب باشید زبان شما با زبان او یکی نشود ... آدم های هستند که از اصل مبانی انقلاب و نظام و آزادی خواهی و استقلال و استکبارستیزی دورند شما دل به تحسین آنها و محافل مربوط به آنها نبندید. هرچه هم که می توانید، بین خودتان ارتباطات را نزدیک و صمیمانه کنید^۲».

۵. **کار فکری که گفتمان ساز است، غیر از کار ذهنی شبه روشنفکریت**

۱ ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

۲ ۱۳۹۰/۰۵/۱۴

«اما باید جوانان ما، فرزندان ما، زیدگان فکری ما، روی هرکدام از این سرفصل‌ها و بخش‌ها بنشینند فکرکنند، کارکنند، مطالعه کنند نه فقط بحث‌های ذهنی شبه روشنفکری، [بلکه] بحث‌های کاربردی، بحث‌های عملیاتی، بحث‌های ناظر به واقعیت. اینهایی که ما عرض می‌کنیم سرفصل‌هایی است برای کارهای فکری که انشاءالله به وسیله جوانان ما- که از ما خیلی بهترند، خیلی آماده‌ترند- دنبال خواهد شد»^۱.

۶. لزوم تحمل رقابت گفتمانی و عدم تعجب و خشم و ترس از مخالف

«هر انسانی، هر فکری، هر جهتی و جهت‌گیری و جریانی، یک عده مخالف دارد، اینجور هم نیست که بگوییم آن مخالف‌ها خطا می‌کنند نه، نقاط ضعفی وجود دارد و آن نقاط ضعف موجب می‌شود یک عده‌ای مخالفت بکنند. بنابراین وجود مخالف نباید تعجب ما را برانگیزد همچنانکه نباید خشم ما را برانگیزد و عصبانی بشویم که چرا با ما مخالفانند نه، مخالفت قابل فهم است، قابل قبول است. وحشت هم نباید بکنیم وحشت کردن از وجود مخالف، نشان‌دهنده این است که انسان به استحکام موضع خودش خاطرجمع نیست و اطمینان ندارد نه، منطقی داریم، پایه‌های این منطق را محکم می‌کنیم، مستحکم می‌کنیم، وارد میدان رقابت گفتمانی می‌شویم، و بحث می‌کنیم روحیه دانشجو باید چنین چیزی باشد. بنابراین محیط‌های

دانشجویی با همین نشاطی که بحمدالله امروز دارند، ادامه کار خواهند داد یکدیگر را هم تحمل کنند، با همدیگر حرف بزنند، با هم بحث بکنند، مبنای را محکم کنند، اساس کار را هم در زمینه عملی، تقوا قرار بدهند و در زمینه فکری، حد و مرز اسلامی و شناخت دشمن و شناخت شیوه‌های دشمنی که ازسوی دشمن به کار می‌رود^۱».

۷. عدم اکتفا به میزگرد و سخنرانی و چاپ مقالات و ...

«اکتفا نکنید به اینکه یک میزگردی تشکیل بشود و سخنرانی‌ای گذاشته بشود و بعد مثلاً تعدادی مقاله چاپ بشود؛ این‌ها کارهای لازمی است، اما ناکافی است. بایستی از امکاناتی که در کشور وجود دارد استفاده کنید، فکر را درکشور بگسترانید؛ آن وقت فکری هم که گسترش پیدا می‌کند، باید فکر عمیق و اساسی و منطقی و قانع‌کننده برای هرکسی باشد^۲».

۸. عدم سیاست‌بازی و سیاست‌کاری؛ متناسب با نیاز روز

«هر برهه‌ای از زمان یک نیاز فکری‌ای وجود دارد؛ این غیر از سیاست‌بازی و غیر از سیاسی‌کاری است، این نگاه به نیاز کشور است، نگاه کنید ببینید نیاز

^۱ ۱۳۹۳/۰۵/۰۱.

^۲ ۱۳۹۲/۰۸/۰۸.

کشورتان، نیاز ملتتان، نیاز این برهه‌ی از تاریخ‌تان چیست، آن را وجهه‌ی همّت قرار بدهید^۱».

۹. تهاجم به گفتمان رقیب، عدم انفعال و عدم دورخوردن

«ما برای اینکه بتوانیم يك جبهه‌ی تهاجمی و مصون از تعرّضِ تهاجم دیگران - يك آرایش تهاجمی - داشته باشیم، نیاز داریم به اینکه این کارها را، این اندیشه‌ها را، این افکار را منتشر کنیم، بگوییم؛ به این واقعاً نیازمندیم؛ در واقع این تهاجم ما، جنبه‌ی مصونیت‌سازی و تدافعی دارد. بنابراین هرچه شماها کار بکنید برای اینکه این عقب‌ماندگی را جبران بکنید، به نظر من مفید است و لازم است ... واقعاً هیچ نبایستی ما تعلّل کنیم، توقّف کنیم؛ بین راه درنگ نباید کرد. با وجود اینکه این گفتمانِ کامل و مفید و قانع‌کننده را از اسلام در اختیار داریم ...»^۲.

۱۰. لزوم تعمق و پرهیز از سطحی‌نگری

«اگر تشکّل‌های دانشجویی و جریان دانشجویی بخواهند یک چنین تأثیرگذاری‌ای [گفتمان‌ساز، جریان‌ساز] را به دست بیاورند، الزاماتی دارد؛ این الزامات را باید رعایت کنند. یکی از این الزامات عبارت است از کار بر روی

^۱ ۱۳۹۵/۱۲/۲۵.

^۲ ۱۳۹۲/۰۲/۲۱.

مفاهیم اسلامی، یعنی عمقی روی مسائل کار کردن؛ سطحی‌نگری ضرر می‌زند. من البته امروز در صحبت‌هایی که این دوستان کردند - در بعضی از صحبت‌ها، حالا نمی‌گویم در همه‌ی آنها - نشانه‌های تعمق را مشاهده کردم. دیدم خوشبختانه جوان دانشجو به مسائل، با نگاه عمقی نگاه می‌کند. این شرط اول است^۱».

۱۱. پرهیز از جذابیت‌های کاذب

اگر تشکلهای دانشجویی و جریان دانشجویی بخواهند یک چنین تأثیرگذاری‌ای [گفتمان‌ساز و جریان‌ساز] را به دست بیاورند، الزاماتی دارد. یکی از الزاماتِ اثرگذاری این است که بتوانید بدنه‌ی دانشجویی را جذب کنید ... البته جذابیت از راه اردوی مختلط، صد درصد غلط و خطا است. بعضی‌ها این جوری جذابیت می‌خواهند ایجاد کنند ... یک ماجرای را که سید قطب در یکی از کتاب‌هایش نقل می‌کند که بنده هم در یکی از نوشته‌ها که مال سال‌ها پیش است - مال قبل از انقلاب است - آن را از قول او نقل کردم. می‌گوید در یکی از شهرهای آمریکا داشتم می‌رفتم، رسیدم به یک کلیسایی؛ دیدم بغل کلیسا یک سالن اجتماعات است. آن وقت آنجا برنامه زده‌اند «برنامه‌ی شب»؛ برنامه را که خواندم، دیدم نوشته مثلاً موسیقی فلان جور، بعد موسیقی فلان جور، بعد آواز فلان جور، بعد یک شام سبک، بعد

مثلاً جلسه‌ی چنین؛ علاقه‌مند شدم بروم ببینم قضیه چیست؟ گفت شب رفتم دیدم بله، یک سالنی است مثل یک کاباره! آنجا دخترها، پسرها، جوانها می‌آیند می‌نشینند، با هم مأنوس میشوند؛ آنجا هم برنامه‌هایی هست روی سن؛ موسیقی و مانند اینها هست؛ من هم تماشا میکردم وضعیّت اینجا را. بعد هم یک شام سبکی آوردند، دادند خوردیم و [بعد] مثلاً یک نوشابه‌ای، چیزی؛ قسمت جالبش اینجا است؛ می‌گویند که شب چند ساعتی گذشت، آخر شب شد، دیدیم که کشیش - کشیش آن کلیسا که این سالن، مربوط به آن کلیسا است - با وقار تمام از یک طرف سن وارد شد، رفت و یک مقدار از این کلیدهای برق را زد و بعضی از چراغها را خاموش کرد بعد هم کشیش رفت. می‌گویند من دیگر رفتم و نماندم. می‌گویند فردا رفتم سراغ آن کشیش، گفتم که خب این چه وضعی است؟ آخر شما روحانی هستید، شما آخوند هستید، مبلغ دین هستید، این چه وضعی بود مثلاً شما دیشب با این همه جوان و این برنامه‌ها؟ گفت که آقا، شما توجّه ندارید؛ من برای جذب کردن جوانها به کلیسا مجبورم این کار را بکنم؛ می‌گفت به او گفتم - حالا به تعبیر بنده - مرده‌شور این کلیسا را ببرد! خب بگذار بروند کاباره؛ [اگر] همان کارهایی که در کاباره می‌کنند، اینجا بنا است بکنند، خب بروند همان کاباره بکنند؛ چرا بیایند کلیسا؟ اگر قرار است که ما جوان را به فسق و فجور و عیش و عشرت و موسیقی حرام و از این قبیل چیزها بکشانیم، خب چرا اسممان را بگذاریم اسلامی؟ این که دیگر اسلامی نیست؛ این غیر اسلامی است، این ضدّ اسلامی

است. بنابراین جاذبه‌ای که بنده می‌گویم تشکّل اسلامی باید پیدا کند، از این
قبیل جاذبه‌ها نیست، اینها ضدّ مصلحت است، ضدّ حق است؛ اینها خیانت
به محیط دانشجویی است^۱».

بخش پنجم: سرفصل‌ها و موضوعات گفتمان‌سازی از

منظر رهبر معظم انقلاب علیه السلام

گفتمان‌های ساخته شده و یا ضروری برای ساخته شدن

از منظر رهبری علیه السلام

ما تنها در مقام نظریه‌پردازانی نیستیم، که صرفاً مفاهیم را به مذاقه انتزاعی می‌گذرانند و تعینات و خاستگاه‌های آن‌ها را از نظر دور می‌دارند و انتزاعی اندیشیدن نیز از حوصله این کتاب خارج است. مفهومی همچون گفتمان، به مصادیق آن است که شناسانده می‌شود. آنچه گفتمان‌سازان را آماده میدان جهاد تبیین می‌کند، فهم گفتمان‌های اصیل از غیراصیل، نسبت گفتمان‌ها با یکدیگر، تقدم و تأخر آن‌ها، فهم میدان‌ها و محیط‌های گفتمانی است. علت جمع نشدن نیروهای انقلاب زیر یک پرچم واحد را، باید در عدم وجود گفتمان واحد در بدنه جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی دانست. لذا برای آنکه از جزیره‌ای عمل کردن نیروهای انقلاب جلوگیری شود و به وسعت انقلاب، خود و جایگاه‌شان را درک کنند، اندیشیدن و عمل کردن ذیل یک گفتمان واحد ضرورت دارد؛ به جای آنکه صرفاً هرکس حرف خود را به میدان آورد، باید گفتمان را به دست گرفت و حرکت نیروها را ذیل یک گفتمان پیش رود. این امر نیازمند یک اتاق راهبری گفتمانی ناظر به گفتمان‌های اصلی انقلاب است. یکی از ارکان مهم گفتمان‌سازی و تثبیت گفتمان در جامعه، ایجاد مابازا برای آن در میدان‌های مختلف عملیاتی است؛ لذا گفتمان باید برای متعین شدن، بسترهایی را برای خود ایجاد کند؛ گفتمان باید در مصداق‌های مشخصی به چشم بیاید، بصری شود، وجودهای مختلف مادی پیدا کند، در زبان‌های مختلف مردم اعم از مردم عامه،

نخبگان حوزه‌های علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جایگاه پیدا کند؛ به نحوی که هرکس با زبان خود از آن سخن بگوید؛ لذا تعریف عملیات‌های میدانی برای ظهور و بروز پیدا کردن یک گفتمان در مواجهه با مسائل گوناگون و از زبان‌ها و کنش‌های مردم اهمیت بسیاری دارد. لذا این گزاره اشتباهی نیست که «گفتمان را باید تبدیل به عملیات و بلکه عملیات‌هایی کرد». از مهم‌ترین خلأهای امروز جامعه ما، عدم وجود میدان و بستری است برای کنشگران گفتمانی جبهه انقلاب؛ این فصل به دنبال آن است که گفتمان‌های اصلی را پیش روی گفتمان‌سازان و حلقه‌های میانی حرکت عمومی قرار دهد و دست آن‌ها را برای پیش‌بری میدانی و گفتمانی پر کند. چراکه اساساً وظیفه آن‌ها تبیین و یافتن راهکارهای عملیاتی است برای آن‌ها که مبتنی بر درک فضای گفتمانی انقلاب اسلامی در نسبت با زمانه و اقتضائات انقلاب، اراده حرکت کردن و به حرکت درآوردن جامعه را دارند لکن امکان کنشگری، میدان و اقتضائات آن برای ایشان فراهم نیست.

۱. گفتمان نوین اسلامی

«امروز دنباله‌ی حرکت انقلاب عظیم اسلامی، پرچم دست شما است. کدام پرچم؟ پرچم "گفتمان نوین اسلامی" که برای سعادت بشریت کارگشا و رهنما است. این را همه بدانند؛ گفتمان اسلامی برای همه‌ی انسانها و برای انسانیت راهگشا است. این گفتمان، در اختیار جوانان امروز است؛ این

گفتمان نو و پُرکشش و پُر جاذبه را انقلاب اسلامی به رهبری امام بزرگوار ما به وجود آورد، آن را در اختیار این ملت قرار داد؛ این ملت هوشمند، هوشیار، قدردان، آن را گرفتند و مغتنم شمردند، از آن پاسداری کردند تا امروز؛ و فداکاری ملت ایران که یکی از مهم‌ترین مظاهر آن، دفاع مقدّس بود، توانست امروز این پرچم را بلند کند. در مقابل این پرچم، در مقابل این گفتمان، گفتمان جاهلیّت امروز دنیا است. گفتمان اسلامی، طرفدار عدالت است، طرفدار آزادی بشر است، طرفدار از بین رفتن زمینه‌های استکبار و استعمار است، طرفدار نابودی نظام سلطه در همه‌ی جهان است؛ یعنی در دنیا دو جناح سلطه‌گر و سلطه‌پذیر وجود نداشته باشد؛ این گفتمان نظام اسلامی است؛ این همان پرچمی است که دست شما است. نقطه‌ی مقابل آن، یک گفتمان ظالمانه، زورگویانه، متکبّرانه و خودخواهانه است از سوی قدرت‌های انحصارطلب عالم، قدرت‌های سلطه‌گر عالم که مَثَکی به بنگاه‌های اقتصادی بزرگ جهانند؛ همیشه‌ی دنیا بوده‌اند، امروز هم هستند؛ در گذشته با صراحت و وقاحت آشکار زبانی، حقیقت خودشان را نشان می‌دادند؛ امروز در پوشش‌های گوناگون الفاظ زیبا، مثل حقوق بشر، مثل عدم خشونت و امثال اینها، منافقانه و ریاکارانه کار خودشان را پیش می‌برند؛ اما چشمان تیزبین ملت‌ها می‌تواند تشخیص بدهد؛ می‌تواند این دو گفتمان را در مقابل هم ببیند. این دو گفتمان با هم آشتی نمی‌کنند، این دو گفتمان به هم نزدیک نمی‌شوند؛ نمی‌توانند آشتی کنند. یک گفتمان

گفتمان ظلم و ستیزه‌گری با مظلومان و ملّت‌ها است؛ یک گفتمان گفتمان حمایت از مظلومان و مقابله‌ی با ظالمان است^۱... گفتمان عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته‌های علمی؛ اینها گفتمان‌های اصلی است؛ این گفتمان‌ها را تقویت کنید. گفتمان اقتصاد مقاومتی خیلی گفتمان مهمی است^۲».

۲. گفتمان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

«همین حرف‌هایی که شما امشب بیان کردید، وقتی در سطح جامعه منتشر شود، ذهن نخبگان و سپس ذهن عموم مردم را به یک سمت اساسی سوق خواهد داد، اندیشیدن درمورد الگوی توسعه و مدل حرکت به سمت جلو، احساس اینکه باید در این زمینه مستقل باشیم و روی پای خودمان بایستیم، عیوب وابستگی و تکیه کردن به الگوهای بیگانه گسترش خواهد یافت. ما امروز به این احتیاج داریم. متأسفانه جامعه نخبگانی ما هنوز در بخش‌های مهمی از این مسئله به یک نتیجه صحیح و درست نرسیده‌اند که این باید اتفاق بیفتد و به حول و قوه الهی اتفاق خواهد افتاد^۳... در دهه

^۱ ۱۳۹۴/۰۲/۳۰.

^۲ ۱۳۹۵/۰۴/۱۲.

^۳ ۱۳۸۹/۰۹/۱۰.

اول، پیشرفت را بسیاری از انقلابیون در الگوی چپ؛ چپ دهه شصت، یعنی الگوی گرایش مند به سوسیالیسم می دیدند. هرکس هم مخالفت می کرد، یک تهمتی، لکه ای، چیزی متوجهش می کردند. یک عده ای از مسئولین، دست اندرکاران، فعالین عرصه کار در جمهوری اسلامی، نگاه شان نگاه حاکمیت دولت و مالکیت دولت بود؛ خوب، این نگاه، نگاه غلطی بود. نگاه به پیشرفت کشور از زاویه دید تفکر شرقی سوسیالیستی چپ محسوب می شد: این غلط بود. البته غلط بودن این خیلی زود فهمیده شد، حتی آن کسانی که آن روز مروج همین دیدگاه بودند، ناگهان صدوهشتاد درجه برگشتند! آن افراط به یک تفریط حالا تبدیل شد. یک برهه ای از زمان، نگاه به پیشرفت، نگاه غربی بود، یعنی همان راهی که آنها رفتند، اینها هم باید بروند تصورشان این بود. خودشان را در حد انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمی دیدند. در حد همین کشورهایی مثل کره جنوبی می دیدند. این هم رد شد. امروز در ذهن و فکر مسئولان و به صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزندان، نقشه پیشرفت غربی کشور رد شده است؛ غلط از آب در آمده است. علتش هم این است که انتقاد از نقشه پیشرفت به شیوه غربی، امروز مخصوص ملت های شرق نیست، مخصوص ما نیست خود اندیشمندان عربی، خود فرزندان غربی، زبان به انتقاد گشوده اند هم در زمینه های اقتصادی، هم در زمینه های اخلاقی، هم در زمینه های سیاسی. همان چیزی که به آن افتخار می کردند به عنوان لیبرال دموکراسی، امروز مورد

انتقاد است پس این هم نقشه پیشرفت نیست. امروز ما اینها را می‌دانیم. البته نقشه پیشرفت اسلامی- ایرانی چیست؟ این باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایایش مشخص شود این کار به طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همین که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشه اسلامی- ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم. خوب، این مسیر پیشرفت است. مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافتاده اردوگاه شرق قدیم هم نیست. بحران‌های که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، می‌دانیم که این بحران‌ها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی- اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم با سرعت مناسب^۱ ... «لازمه‌ی تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و رسوخ آن در میان نخبگان، گفتمان‌سازی آن در جامعه است ... گفتمان‌سازی شرط اصلی تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است ... باید از طریق گفتمان‌سازی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های نخبگان و صاحب‌نظران، و با صبر و حوصله، الگویی فاخر، مستحکم و ارزشمند تدوین شود»^۲.

^۱ ۱۳۸۷/۰۲/۱۶

^۲ ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

۳. گفتمان عدالت و عدالتخواهی

«بحث عدالت بایستی به یک گفتمان نخبگانی تبدیل شود. باید این مسئله را دنبال کنیم و پیگیری این بحث را رها نکنیم چون زمینه خیلی زیاد است، نیاز خیلی شدید است و در بیانات دوستان، بخشی از این نیاز محسوس بود. این بحث‌هایی که شما کردید و ان شاء الله در آینده خواهد شد، محصول آن برای نسل کنونی و نسل‌های آینده، محصول بارزش و بشدت مورد نیازی خواهد بود. شاید لازم باشد بعدها از صاحب‌نظران دنیای اسلام هم استفاده کنیم. شاید در کشورهای دیگر صاحب‌نظرانی هستند که می‌توانند در جمع‌بندی نهایی و به سرانجام رساندن بحث عدالت، به ما کمک کنند... نکته دیگر این است که در انقلاب اسلامی ما- که یک حرکت دینی بود- به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل (رضوان الله علیه)، در گفتمان‌های موضعی و در زمان‌های مختلف و به مناسبت‌های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می‌شود... امروز که ما به بحث عدالت می‌پردازیم- بحث این نشست و مطرح شدن موضوع عدالت- این دنباله همان دغدغه اساسی است؛ به این معنا نیست که در طول سال‌های متمادی، ما عدالت را نشناختیم یا نظام جمهوری اسلامی مطلقاً تعریفی از عدالت نداشته و حرکتی نکرده نه، یک تعاریف اجمالی و کلی و یک قدر متیقن‌هایی همیشه وجود داشته: همه هم با آنها آشنا بودند، کارهای زیادی

هم- همین طور که عرض کردیم- انجام گرفته. لیکن امروز که ما این را داریم مطرح می‌کنیم، اولاً به این دلیل است که می‌خواهیم گفت‌وگو، عدالت، یک گفت‌وگو زنده و همواره حاضر در صحنه باشد. در میان نخبگان، در میان مسئولان، در میان مردم، بخصوص در بین نسل‌های تازه، باید عنوان عدالت و مسجله عدالت، به عنوان یک مسئله اصلی، به طور دائم مطرح باشد. یکی از اهداف این نشست و طرح موضوع عدالت در این نشست، این است^۱... امروز ما در یک چالش عظیم قرار داریم با مراکز قدرتی که فکر آنها این است که اگر این نظام کارآمدی خود را به طور کامل اثبات کند، عرصه برای آنها تنگ خواهد شد. کما اینکه همین الان هم آنها می‌بینند در مقابل نظام جمهوری اسلامی کم‌کاری کرده‌اند که نظام ما توانسته به پیشرفت‌هایی که دوستان اشاره کردند، نائل آید. البته به شما عرض بکنم پیشرفت‌ها در بخش‌های مختلف، بیش از این‌هاست. گفت‌وگو، عدالت، یک گفت‌وگو اساسی است و- همانطور هم که چند روز پیش در جلسه‌ای مطرح کردم- همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت، باید آن را داشته باشیم. این گفت‌وگو را باید همه‌گیر کنید، به گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سرکار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفت‌وگو شود یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود

پرچم عدالت را بر دست بگیرد. این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید این مهم است. اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید، نه بیگانه وار و معترض. بالأخره کارهای زیادی انجام گرفته، احیاناً کوتاهی هایی هم شده، اما باید مشکل را حل کرد. نباید نتیجه قهری نحوی بیان این باشد که بعد از چندی انسان احساس کند که به کل مجموعه بشدت معترض است نه، شما برای موفقیت کل مجموعه دارید تلاش می کنید اصلاً همه تلاشتان این است که نظام را پیش ببرید. هرچه می توانید، جزئیات را تکمیل کنید. در بخش هایی که خلأ وجود دارد، هرچه می توانید، کمک کنید تا خلأ برطرف شود. هرچه می توانید، شعار اصلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است، تقویت و همگانی و در ذهن ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه فکری آن کار کنید- اینها لازم است- اما کاری نکنید که مخالفان شما این تردید را دامن بزنند که آیا نظام اسلامی می تواند؟ آیا نظامی اسلامی توانسته؟ البته که می تواند؛ البته که توانسته! مدعی دستگاه های مختلف از لحاظ کارآمدی، خود بنده هستم^۱ ... به هر حال، جنبش عدالتخواهی هنگامی که در جمع دانشجویان و خطاب به آنها گفته می شود، مقصود این است که این طلب و خواسته و خواهش به عنوان یک خواسته عمده مطرح شود. نباید بگذارید این مطالبه مهم از ذهن ها دور شود؛ یعنی بایستی عدالت آنچنان از طرف

مردم، قشرها و بخصوص جوانان مطالبه شود که هر مسئولی - چه بنده و چه هرکس دیگری که در جایی مسئول است - ناچار باشد به مقوله عدالت، ولو برخلاف میلش هم باشد، بپردازد. یک وقت است که ما مثلاً به وزارت اقتصاد و دارایی می‌گوییم عدالت را رعایت کن، یا به قوه قضاییه می‌گوییم عدالت را رعایت کن، اما یک وقت به جوانان می‌گوییم شما عدالت را مطالبه کنید. هر کدام معنای خاصی دارد. مطالبه عدالت به معنای این است که عدالت، گفتمان غالب در محیط‌های جوان و دانشجویی شود عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسئولی بخواهند^۱... این موضوعی که نگاه به آینده دارد، مسئله شعار دهه چهارم است - که شروع شده - یعنی پیشرفت و عدالت. اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل می‌شود و نه عدالت اما با تبیین کردن، تکرارکردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل می‌شود و هم عدالت. ما می‌خواهیم مسئله پیشرفت و عدالت، در دهه چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم تا نخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید باید تبیین بشود^۲... در این دهه، گفتمان اصلی انقلاب، پیشرفت و عدالت است؛ پیشرفت در همه ابعاد علمی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی، و عدالت

^۱ ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

^۲ ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

همه‌جانبه در توزیع فرصت‌ها و امکانات مادی و معنوی. عنصر پیشرفت، باید نگاه ما را به استعدادهای بی‌شمار پراکنده در میان ملت، معطوف سازد و ظرفیت‌های تولید و خلاقیت و درخشش توانایی‌های گوناگون در همه زمینه‌ها را در نگاه ما برجسته کند. و عنصر عدالت باید نابرخورداران از فرصت‌ها و توانایی‌های کشور را، از این مواهب الهی و عمومی برخوردار سازد. مجلس که پدیدآورنده نرم‌افزار اصلی حرکت کشور است باید لحظه‌ای از این تکلیف غفلت نرزد»^۱.

۴. گفتمان اقتصاد مقاومتی

«الزام هفتم و کار لازم هفتم [از الزامات و انتظارات سیاست‌های اقتصاد مقاومتی]، گفتمان‌سازی است؛ باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود. البته صداوسیما و رسانه‌های کشور موظف‌اند، اما مخصوص آنها نیست. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف با کشور، مخالف با انقلاب، مخالف با پیشرفت ملی ما، خیلی چیزها در چنته دارند و شروع هم کرده‌اند- ما دیدیم- بعد از این هم بیشتر [خواهند کرد] درباره اقتصاد مقاومتی، اشکال‌تراشی، مانع‌تراشی، گاهی هو کردن، بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه که در کمال اهمیت و نهایت اهمیت است؛ از این کارها می‌کنند. نقطه مقابل آنها بایستی کار بشود، مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی

را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند. در این صورت، کار عملی خواهد شد^۱ ...

گفتمان سازی در خصوص اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به یک گفتمان عمومی، بسیاری از مشکلات را برطرف و کارها را تسهیل خواهد کرد^۲ ... ببینید در صحبت های آقای دکتر ستّاری، بر مسئله ی علم و اقتصاد دانش بنیان و شرکت های دانش بنیان و مانند اینها تکیه شد و تأکید شد - بعضی دوستان دیگر هم اشاره کردند - این ناشی از یک گفتمان ده دوازده ساله است. یعنی وقتی که بحث شکستن خطوط مقدّم علمی و نهضت نرم افزاری و تولید علم مطرح میشود، دنبال میشود، گفته می شود در دانشگاه ها و تبدیل به گفتمان میشود، نتیجه این می شود که بنده گاهی اوقات که اینجا می نشینم و مثلاً مجموعه ی دانشگاهی - چه دانشجو، چه استاد - می آیند، می بینم همان حرف هایی را که ما مثلاً گفتیم، اینها دارند همان حرف ها را به عنوان مطالبه بیان میکنند؛ این می شود گفتمان، این گفتمان است، این خوب است؛ وقتی این جور شد، آن وقت این پیشرفت های علمی پیش می آید. ما امروز در مسائل فضایی، در مسائل هسته ای، در نانو، در فناوری زیستی و دیگر موارد گوناگون، پیشرفتهای زیادی داریم، پیشرفت های مهمی داریم؛ این پیشرفت ها ناشی از همین گفتمان سازی است. وقتی گفتمان سازی شد،

^۱ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^۲ ۱۳۹۲/۱۲/۰۶

آن وقت همه به این فکر خواهند افتاد، یعنی در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ کأنه یک جاده‌ی وسیع و یک بزرگ راهی به وجود می‌آید که همه میل میکنند از این بزرگراه حرکت کنند؛ بنابراین گفتمان سازی خیلی مهم است. البته با تکرار کلمه‌ی اقتصاد مقاومتی گفتمان سازی نمی‌شود، نباید کاری کرد که این کلمه حرف را همین طور این قدر تکرار کنیم که از دهن بیفتد؛ نه، بلکه با تبیین و با توضیح و مانند اینها بیان بشود^۱ ... تبدیل تلاش و کار به گفتمان در فضای عمومی، به نظر من یکی از کارهای اساسی در زمینه‌ی اقتصاد است، کار با ارزش در مجموعه‌ی کار روزانه که باید زیاد باشد و کاهشش یک عیب بزرگ است؛ سعی کنیم تنبلی، بیکاری، بی‌اعتنائی به کار را در چشم مردم به شکل درستی موهون کنیم؛ یعنی بیکاری باید موهون بشود؛ کار باید ارزش بشود. در روایت داریم که پیغمبر اکرم یک جوانی را دیدند، از این جوان خوششان آمد؛ گفتند شغل چیست؟ گفت من بیکارم، من شغل ندارم؛ حضرت فرمودند: سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛ از چشمم افتاد^۲.

۵. گفتمان نهضت علم و فناوری

«در این دنیا برای به هم زدن این سلطه، باید یک حرکت علمی کرد. نظام جمهوری اسلامی که از لحاظ ارزش‌گذاری و نظام ارزشی، نقطه مقابل آن

^۱ ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

^۲ ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

چیزی است که امروز سلطه‌گران غربی دنبالش هستند- و خب، موفق هم شده از لحاظ سیاسی موفق شده خودش را تثبیت کرده علیه توطئه‌ها سی سال ایستادگی کرده و در ابعاد مختلف خودش را پیش برده- برای اینکه بتواند هدف‌های خودش را تأمین بکند- که آن هدف‌ها، هدف‌های والای انسانی است که هر انسانی آنها را قبول دارد- باید دنبال علم برود، این است که من گفته‌ام امروز یکی از پایه‌ای‌ترین گفتمان‌های کنونی کشور ما باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد این بروجرد ندارد. بدون اینکه ما به دنبال پیشرفت علمی و رشد علمی و افزایش توان علمی باشیم، و بدون اینکه این امکان علمی را در سطح زندگی خودمان بیاوریم و زندگی مادی را اعتلا بدهیم، امکان مقابله با آن قدرت‌ها وجود ندارد. این پرچمی که در دست جمهوری اسلامی است، در این صورت، در اهتزاز و سرپا خواهد ماند و پیروز خواهد شد^۱ ... خب، نانو خیلی مهم است؛ نمیخواهیم بگوییم از همه‌ی مسائل کشور، از همه‌ی مسائل فنی مهم‌تر و بالاتر است؛ نه، [اما] یکی از مسائل مهم پیشرفت علمی و فنی کشور است؛ ما این را الگو قرار بدهیم برای کارهای گوناگونمان و همین عوامل پیشرفت را که به بعضی از آنها اشاره کردم، حفظ کنیم^۲ ... ما امروز در مسائل فضایی، در مسائل هسته‌ای، در نانو، در فناوری زیستی و دیگر موارد گوناگون، پیشرفت‌های زیادی داریم،

۱. ۱۳۸۷/۰۶/۰۵

۲. ۱۳۹۳/۱۱/۱۱

پیشرفت‌های مهمی داریم؛ این پیشرفت‌ها ناشی از همین گفتمان‌سازی است.^۱ ... مهم این است که شما ببینید عوامل این پیشرفت جهشی چه بوده است، این عوامل را بایستی نگه دارید؛ وجود برنامه‌ی خوب، ثبات در مدیریت، اهتمام به فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی. این چیزی که اخیراً من دیدم که این جوان‌های دانش‌آموز دنبال این کار هستند و دارند این مسئله را در حدی که از توانایی‌های معمول دانش‌آموزهای ما بالاتر است دنبال میکنند یا برای بخش‌های مختلف کارهایی انجام گرفته، این گفتمان‌سازی است؛ این گفتمان‌سازی خیلی مهم است. یعنی در کشور این فکر، این گفتمان، این اندیشه به وجود بیاید که باید مسئله‌ی نانور دنبال کرد^۲ ... یک روزی یک چیزهایی گفته می‌شد که به گوش‌ها سنگین می‌آمد. من یک روزی مسئله «تولید علم» را مطرح کردم، بعد دیدم بعضی جاها نشسته‌اند روی کلمه «تولید علم» دارند خدشه می‌کنند - حالا یک مناقشه لفظی - که علم قابل تولید نیست! امروز این به صورت یک گفتمان قطعی درآمده: شماها گله‌مندید از این که این کار در مقطع خاص خودش پیش نمی‌رود. این خیلی پیشرفت است. بنابراین بایستی کار کرد. و کار کنید، فکر کنید: حتماً تأثیر دارد^۳ ... یک مسئله دیگر هم که به شدت به شما ارتباط پیدا می‌کند، مسئله

۱. ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

۲. ۱۳۹۳/۱۱/۱۱

۳. ۱۳۹۰/۰۷/۱۳

تولید علم است. خوشبختانه من می‌بینم در دانشگاه‌ها، تولید علم و لزوم عبور از مرزهای دانش به یک گفتمان عمومی تبدیل شده. این خیلی برای من خرسندکننده و نویدبخش است ... این راه را باید دنبال کرد. ما عقیبم. امروز سرعت پیشرفت ما خوب است اما با توجه به عقب‌ماندگی‌های گذشته که کشور ما دارد، هرچه سرعتمان بیشتر باشد، باز هم زیادی نیست. ما باید خیلی پیش برویم؛ از راه‌های میانبر استفاده کنیم؛ از شتاب فراوان بهره ببریم. ما باید در همه علوم تولید داشته باشیم^۱ ... دنبال این باشیم که محیط دانشجویی تصمیم‌سازی کند یعنی گفتمان‌سازی کنید. ببینید بنده وقتی مسئله نهضت نرم‌فزاری را خواستم مطرح کنم، قبل از همه در دانشگاه با دانشجویها مطرح کردم؛ حدود ده سال قبل. نه با وزارت‌ها صحبت کرده بودم، نه با رییس‌جمهور وقت صحبت کرده بودم، نه صحبتی با اساتید صحبت کردم. اول بار در دانشگاه امیرکبیر این فکر را به میان آوردم. امروز شما ببینید این یک گفتمان است، یک مطالبه عمومی است، یک خواست همه دانشگاه‌های کشور است که من هر جا هم می‌روم، از زبان دانشجوی مطالبه‌اش را می‌شنوم: از زبان استاد و مدیر، اجرایش را در یک مرحله دیگر می‌شنوم، و اجرا هم دارد می‌شود. همین نوآوری‌های علمی بسیار بخشی از انگیزه و توان خودش را از این شعار گرفته: «تصمیم‌سازی کنید»، «گفتمان‌سازی کنید».

این، مجری و مسئولین اجرایی را می‌کشاند دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد^۱... شما این را بدانید که بنده به صرف اینکه بگویم نهضت نرم‌فزاری راه بیفتد، اکتفا نکرده‌ام. یک نهضت؛ نهضت به معنای جنبش و حرکت و حضور مبارزه‌گر که با گفتن و دستور و فرمان راه نمی‌افتد، بلکه باید زمینه‌هایش فراهم شود. من می‌گویم این نهضت نرم‌فزاری راه افتاده است، چراکه امروز خود آن تبدیل به گفتمان و فکر رایج شده است. این خیلی اهمیت دارد. خیلی‌ها به اینکه ما می‌توانیم و باید علم را به وجود آوریم و مرزهای آن را بشکنیم و جلو برویم، اصلاً توجه نداشتند. همین مطلب که بعضی از دوستان گفتید، درست است حافظ بودن کافی نیست، بعضی‌ها اکتفا می‌کردند به اینکه دانسته‌های دیگران را حفظ کنند، اما امروز این میل، عزم و احساس در خیلی از جوانان، اساتید و نخبگان ما به وجود آمده که باید علم را تولید کرد. من هم همین را اصرار دارم و دنبال می‌کنم. کننده کارش هم شما- مجموعه کسانی که اهل علم‌اند و بخشی از آنها شما نخبگان هستید که الآن اینجا تشریف دارید- هستید. باید همت کنید نباید دلسرد شوید همچنانکه این برادرمان گفتند: «ما هستیم و خواهیم بود»؛ باید هم باشید، باید هم بکنید وظیفه تاریخی ما و شماست. سرنوشت آینده این کشور به همین تصمیمی که امروز ما خواهیم گرفت و عملی خواهیم کرد بستگی دارد^۲... این

^۱ ۱۳۸۷/۰۲/۱۶

^۲ ۱۳۸۲/۱۱/۲۱

نقشه‌ی جامع علمی باید عملیاتی بشود که قدم اولش هم گفتمان‌سازی است. می‌شنوم من که دوستانی که به شهرستان‌ها مسافرت میکنند، در دانشگاه‌های کشور حضور پیدا می‌کنند، می‌گویند بسیاری از اساتید -چه برسد به دانشجویان- و حتی مدیران، درست اطلاعی از نقشه‌ی جامع علمی کشور ندارند. حالایی از دوستان اینجا گفتند که خیلی‌ها از اقتصاد مقاومتی که شما می‌گویید، اطلاع ندارند؛ بله، این یکی از ضعفهای کار ما است. ما اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای تحقق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته شده دریاوریم؛ مسئله‌ی علم از همین قبیل بود که یک گفتمان شد و به طور طبیعی وارد جریان عملی شد، عملیاتی شد و به صورت یک جریان درآمد؛ این [مسئله] هم همین جور است. مسائل مربوط به نقشه‌ی جامع علمی کشور باید تبدیل بشود به یک گفتمان و به صورت جدی اجرا بشود؛ این یک نکته است^۱.

۶. گفتمان مقاومت

«اینجوری نیست قضیه که اگر چنانچه ما تسلیم شدیم در مقابل دشمن، آنوقت مشکلات ما برداشته خواهد شد، برطرف خواهد شد، نخیر. من واقعاً باید تشکر کنم از مسئولین کشور که در مقابله با دشمن حرف صریح می‌زنند؛ عدم انفعال ملت ایران را و عدم انفعال انقلاب را به زبان صریح بیان می‌کنند؛

این خیلی لازم است. این را باید ما به صورت گفتمان در بیاوریم و این هم یکی از مسائل ما است^۱. ... خوشبختانه امروز در سطح منطقه، گفتمان اسلام، گفتمان پیروی از معارف اسلامی و احکام اسلامی و شریعت اسلامی، شده گفتمان غالب. در کشورهایی انقلاب شد، حرکت شد و مردم شعار دادند، در کشورهای دیگری هم اگرچه این تظاهر وجود ندارد، اما در باطن امر مردم اینجورند؛ آدم نشانه‌هایش را دارد مشاهده می‌کند؛ این همان گفتمان شماسست، این همان حرکت شماسست. و جمهوری اسلامی و کشور عزیزما الآن به عنوان یک نمونه و یک الگو مطرح است، نگاه می‌کنند، می‌سنجند همان طور که ما در صحبت قبلی هم عرض کردیم. تمام آنچه که در کشورما می‌گذرد و جمع‌بندی شده همه این حوادث، امروز برای ملت‌ها مطرح است، مورد توجه آنهاست. سعی دشمن این است که این جمع‌بندی را خراب کند ما باید سعیمان این باشد که هرچه ممکن است، این جمع‌بندی را زیباتر، منظم‌تر و هماهنگ‌تر به دنیا ارائه بدهیم^۲. ... یکی از چیزهایی که بلاشک در این حوادث مؤثر بود، الگوسازی و گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی بود. انقلاب اسلامی برای مسلمان‌ها الگو شد، اولاً با پیدایش خود، بعد با تشکیل موفق نظام جمهوری اسلامی که توانست یک نظامی را با یک قانون اساسی کامل ارائه کند و آن را به کرسی بنشاند و تحقق ببخشد، و بعد ماندگاری این

^۱ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

^۲ ۱۳۹۰/۰۷/۲۸

نظام در طول سی و دو سال که نتوانند به او ضربه بزنند، و بعد استحکام و تقویت هرچه بیشتر این نظام- که نظام جمهوری اسلامی امروز از لحاظ عمق و ریشه، قابل مقایسه با ده سال پیش، بیست سال پیش و سی سال پیش نیست- و بعد پیشرفت‌های گوناگون در این نظام، که پیشرفت علمی، پیشرفت فناوری و صنعتی، پیشرفت‌های اجتماعی گوناگون، پخته شدن افکار، پدید آمدن افکار نو، حرکت عظیم علمی در کشور و فعالیت‌های گوناگون است. عمران‌هایی که در این کشور شده است، در مواردی کشور را به درجه چند کشور معدود دنیا درآورده است. این‌ها همه حوادثی است که اتفاق افتاده است. این‌ها برای ملت‌های مسلمان چیزهای محسوسی است؛ این‌ها را می‌بینند، مشاهده می‌کنند. این انقلاب آمد، نظام درست کرد، این نظام باقی ماند، روزه‌روز قوی‌تر شد، روزه‌روز هم پیشرفته‌تر شد؛ این می‌شود الگو؛ این الگوسازی یک گفتمانی را به وجود می‌آورد که آن، گفتمان هویت اسلامی و عزت اسلامی است. امروز در بین ملت‌های دنیا، احساس هویت اسلامی، قابل مقایسه با سی سال قبل نیست؛ احساس عزت اسلامی و مطالبه این عزت، امروز قابل مقایسه با گذشته نیست. این، اتفاق افتاده است... بخش مهمی از تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، ناظر به همین جهت است؛ ناظر به این است که الگوسازی نشود در چشم ملت‌های مسلمان، جمهوری اسلامی به صورت یک الگوی موفق در نیاید. به نظر من این نکته بسیار مهمی است که همه ما باید به آن توجه کنیم. سعی دشمنان این است

که جمهوری اسلامی به شکل یک الگوی موفق در چشم ملت‌ها جلوه نکند چون وقتی الگو پیدا شد، مردم به سمت آن حرکت می‌کنند؛ وقتی توفیق این الگو دانسته شد، مردم تشویق می‌شوند ... خب، در تضعیف این الگو، دو عامل به یکدیگر کمک می‌کنند: یک عامل، عامل درونی است؛ نقص‌هایی که وجود دارد ... این عامل درونی، به این الگو صدمه می‌زند. عامل دیگر، مربوط به دشمن است، که همینی که ما داریم، این را صد برابر بزرگ می‌کنند و به چشم دیگران می‌کشانند، عیب‌هایی هم که نداریم، به ما نسبت می‌دهند^۱ ... ایجاد یک گفتمان نو در سطح بین‌الملل اسلامی. همین گفتمان هویت اسلامی و سلطه‌ناپذیری و استقلال را این نظام ایجاد کرد، گسترش داد. و ارتباطات و همسایه‌ها و غیره و غیره حرف زیاد است. ما باید این کارایی را افزایش بدهیم، با علم، با عقل، با عزم سه تا «عین». عالمانه باید باشد؛ عاقلانه باید باشد؛ عازمانه باید باشد. باید با عزم همراه باشد با سست‌عنصری و سست‌عهدی نمی‌شود پیش رفت. علم و عقل را به کار بگیرند و عزم ملی را مثل موتوری پشت سر اینها قرار بدهند. ما می‌توانیم این کارایی را افزایش بدهیم^۲ ... استکبارستیزی- که معنای ویژه انقلابی خودش را دارد- در این دولت تشخص و تمیز پیدا کرد. معنای استکبارستیزی دشمنی کردن با دولت‌های دنیا نیست، معنایش دشمنی کردن با استکبار است. استکبار- از هر

^۱ ۱۳۸۹/۱۲/۱۹

^۲ ۱۳۸۶/۰۶/۳۱

دولتی و از هر نظامی سربزند- آفت برای بشریت است. البته امروز آمریکا و صهیونیسم مظهر استکبارند لیکن هرجا، هرکس، هر دولتی و هر مجموعه‌ای که نسبت به دیگران استکبار بورزند، آفتی در جامعه بشری و در نظام زندگی انسان به وجود می‌آورند. ستیزه با این حالت هم یک حالت مطلوب اسلامی است. این هم یکی از خصوصیات این مجموعه است که خوشبختانه برجسته است^۱ ... چه کسی می‌تواند تأثیرگذاری دولت جمهوری اسلامی را امروز در سیاست‌های منطقه، بلکه سیاست‌های فرامنطقه منکر بشود؟ چه کسی می‌تواند عزت جمهوری اسلامی را در بین ملت‌های مسلمان منکر بشود؟ ... ایجاد یک گفتمان نو در سطح بین‌الملل اسلامی. همین گفتمان هویت اسلامی و سلطه‌ناپذیری و استقلال را این نظام ایجاد کرد، گسترش داد و ارتباطات و همسایه‌ها و غیره و غیره^۲ ... کی می‌تواند پیمانی را به عنوان پیمان خلع سلاح مطرح کند، در وسط بگذارد و کشورهای دنیا را موظف کند به این پیمان پایبند باشند؟- البته نه موظف حتما به زور سلاح، بلکه به زور سیاست، به زور گفتمان مسلط فرهنگی، به زور تغلیب هویت و شخصیت ملی- یک کشور قدرتمند^۳.

۷. گفتمان زن حقیقی

^۱ ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

^۲ ۱۳۸۶/۰۶/۳۱

^۳ ۱۳۸۶/۰۷/۲۶

«در زمینه‌ی این نهضت - باید گفت نهضت بیداری در زمینه‌ی مسائل مربوط به زنان - واقعاً هیچ نبایستی ما تعلل کنیم، توقف کنیم؛ بین راه درنگ نباید کرد. با وجود اینکه این گفتمان کامل و مفید و قانع‌کننده را از اسلام در اختیار داریم، اما عملاً خودمان را در موضع انفعال قرار دادیم در مقابل گفتمان غربی در مورد زن ... چرا باید با وجود گفتمان کامل و قانع‌کننده اسلام در مورد زن، در مقابل گفتمان غرب، در موضع انفعال قرار گرفت؟ به هیچ وجه نباید در مقابل گفتمان غرب در خصوص زن منفعل شد، بلکه باید گفتمان اسلام در مورد زن را به صورت تهاجمی و طلبکارانه مطرح کرد؛ از تهدیدهای غربی‌ها هم به هیچ وجه نباید ترسید. کرامت زن، عزت زن و ظرافت فطری و کارکرد زن از خصوصیات گفتمان زن در اسلام است؛ خداوند متعال جنس زن را به گونه‌ای خلق کرده است که برخی امور عاطفی، تربیتی و حتی مدیریتی در خانه، فقط با ظرافت روحیه زنان، قابل انجام است^۱ ... ازدواج یک جنبه قدسی دارد، این جنبه قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ما رایج شده. این مهریه‌های سنگین به خیال این که می‌تواند پشتوانه حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعیین می‌شود درحالی که اینجور نیست ... اینکه در اسلام از حضرت امام حسین ۷ نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و

همسرانمان را جز با مهرالسَّنه عقد نکردیم، به خاطر این است و الا می‌توانستند. اگر امام حسین می‌خواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، می‌توانست، لازم نبود مثلاً با پانصد درهم- دوازده ونیم اوقیه- مقید به این کار بشود. آنها می‌توانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است این خیلی خوب است. یا همین تشریفات زائد ازدواج- خرج‌های زیاد، مجالس متعدد- که واقعاً انسان دلش می‌گیرد وقتی می‌شنود. اینها از آن مواردی است که گفتمان‌سازی می‌خواهد. خانم‌های مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، بخصوص صداوسیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند؛ این را از این حالت بیرون بیاورند^۱ ... گفتمان اسلام "زن حقیقی" است؛ این گفتمان را بایستی ما به صورت تهاجمی مطرح کنیم. مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. آن کسانی که دنبال مثلاً کنوانسیون زنان یا مؤسسات وابسته به سازمان ملل هستند، تهدید میکنند که اگر چنین کنید، اگر چنان کنید ممکن است علیه شما قطعنامه صادر کنیم! خب به دَرَك! قطعنامه صادر کنند. گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیه‌ی تهاجم، طلبگاران مطرح کرد. خصوصیات زن در این گفتمان گفته شود؛ کرامت زن، عزّت زن، ظرافت زن، نه فقط ظرافت جسمی بلکه ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافت کارکردی که باید بکند. این رشته‌های

بشدت رقیق و نازك اعصاب كودك را فقط سزائنگشت ظریف و لطیف مادر است
كه میتواند از هم جدا كند كه عقده به وجود نیاید، گره به وجود نیاید؛ این
كار، كار زنانه است^۱».